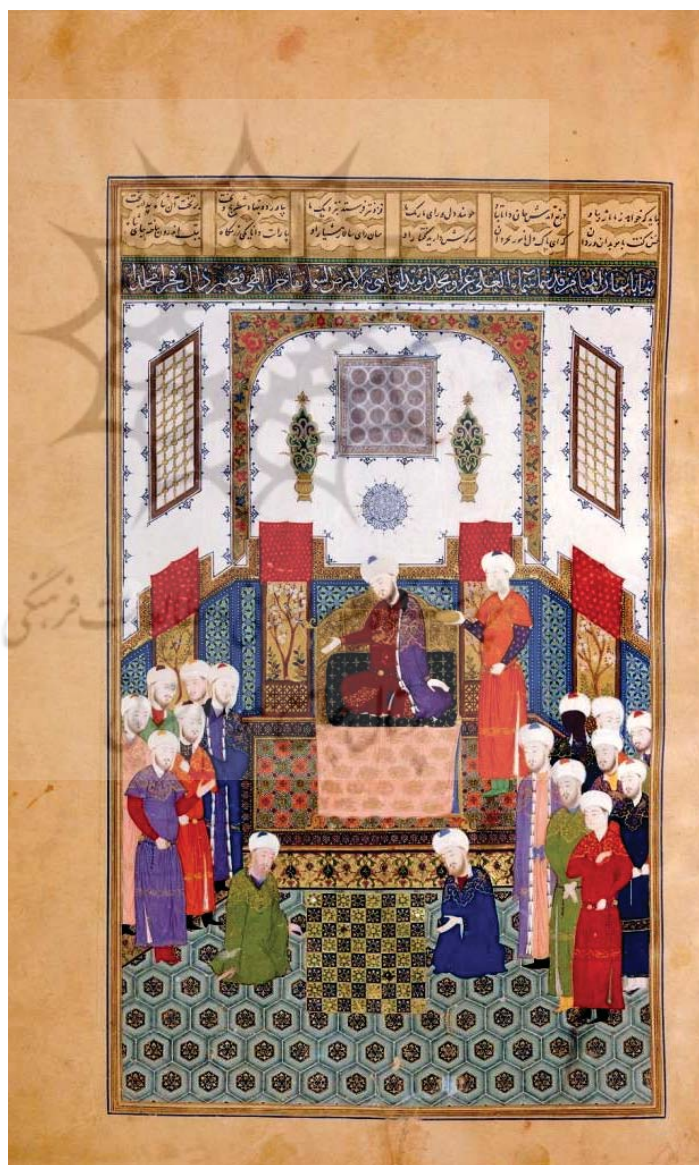


خوانش بینامتنی سنت‌های فرهنگ عامه
در نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا
با تأکید بر نگاره «ندرز پدر به فرزند
در باره عشق» / ۷۵-۵۵ / ابوالقاسم
دادور، زهره طاهر



بوزرجمهر استاد بازی شطرنج
هندی، شاهنامه بایسنقری، ۸۳۴ ه.ق،
مأخذ:
www.portal.unesco.org



خوانش بینامتنی سنت‌های فرهنگ عامه در نگاره‌های هفت اورنگ ابراهیم میرزا با تأکید بر نگاره «اندرز پدر به فرزند درباره عشق»

ابوالقاسم دادور* زهره طاهر**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۷

صفحه ۵۵ تا ۷۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

فرهنگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان‌ها در یک جامعه و فرهنگ عامه شامل آداب و رسوم و باورهایی است که در دوره‌های مختلف شکل گرفته و خاستگاه هنر، ادبیات، فرهنگ و در یک کلمه هویت یک ملت است؛ بنابراین دریافت، فهم و معرفی فرهنگ عامه در هر دوره و بررسی بازتاب آن در آثار به‌جامانده، ضروری می‌نماید. آنچه خوانش بینا فرهنگی نامیده می‌شود نیز در پی کشف این معناست که پیش‌متن‌های درون فرهنگی یا برون فرهنگی یک متن چیست و در واقع آن متن بازتاب چه وجوه فرهنگی و از این نظر، وامدار کدام پیش‌متن‌هاست. هدف در این پژوهش بازشناسی وجوه فرهنگ عامه مردم خراسان در عصر شاهزاده ابراهیم میرزای صفوی در نگاره‌های نسخه هفت اورنگ ابراهیم میرزا و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی بینا فرهنگی این وجوه مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجاکه امکان بررسی تمام نگاره‌ها، به دلیل حجم زیاد اطلاعات حاصل از خوانش وجود ندارد، نگاره «اندرز پدر به فرزند درباره عشق» از این نسخه انتخاب و بررسی شد. **سوال‌های اصلی** پژوهش عبارت‌اند از ۱. در خوانش اولیه نگاره منتخب، چه وجوهی از فرهنگ عامه و روش زندگی مردمان آن روزگار مشهود است؟ ۲. پیش‌متن‌های تصویری احتمالی بینا فرهنگی وجوه فرهنگ عامه منعکس در این نگاره چیست؟ **روش تحقیق** تطبیقی - تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای - اسنادی است و در تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای نظریات نسل اول و دوم بینامتنیت، رولان بارت و مایکل ریفاتر، به تبیین پیش‌متن‌های درون فرهنگی و برون فرهنگی آثار مکتب مشهد پرداخته شده است. **نتایج** پژوهش نشان داد خوانش اولیه نگاره منتخب، بسیاری از وجوه فرهنگ عامه مردم خراسان در عصر ابراهیم میرزای صفوی را در قالب سنت‌های مادی، رفتاری و گفتاری آشکار می‌سازد که با بررسی پیش‌متن‌های احتمالی تصویری و کلامی هر یک در خوانش ثانویه متن می‌توان گفت بسیاری از آن‌ها درون فرهنگی و برگرفته از فرهنگ عامه مردم خراسان در این دوره است.

واژگان کلیدی

نگارگری، نسخه هفت اورنگ، ابراهیم میرزا، مکتب مشهد، بینامتنیت، خوانش بینا فرهنگی.

* Email: a.dadvar@alzahra.ac.ir

* استاد تمام دانشکده هنر، گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران

** Email: Z.Taher@alzahra.ac.ir

** زهره طاهر، دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

بینامتنیت که اولین بار توسط کریستوا استفاده شد در ادامه توسط نظریه‌پردازانی چون رولان بارت، مایکل ریفاتر و دیگران بر خوانش و دریافت مخاطب متمرکز شد و از آنجا که بر اساس آن هر متنی بینامتنی و دارای پیش‌متنهایی در ذهن خواننده است، راهی جدید در مطالعات به‌ویژه در هنر پدید آورد تا با کمک آن متکی بر پیش‌متن‌های ذهنی خواننده متن و نه مؤلف، گونه‌ای تعامل دوسویه را واکاوی و از این نظر در مطالعات بین‌رشته‌ای و مضامین مهمی چون فرهنگ، بُعد جدیدی از تعاملات مخاطب و متن را مطالعه کرد. از آنجا که دریافت، فهم و معرفی فرهنگ به‌ویژه فرهنگ‌عامه که مشتمل بر آداب و رسوم و باورهای است که در دوره‌های مختلف شکل‌گرفته و خاستگاه هنر، ادبیات و در یک کلمه هویت یک ملت است، بررسی بازتاب آن در آثار هنری به‌جامانده، امری ضروری است. آنچه خوانش بینا فرهنگی نامیده می‌شود نیز در پی کشف این معناست که پیش‌متن‌های درون فرهنگی یا برون فرهنگی یک متن چیست و در واقع آن متن بازتاب چه وجوه فرهنگی و از این نظر، و مدار کدام پیش‌متن‌هاست. تحولات سیاسی و فرهنگی ایران عصر صفوی، به‌ویژه قبول تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور، گرچه با استقرار نظامی قدرتمند همراه بود اما کشمکش‌های بسیاری را در مرزهای شرقی کشور به‌ویژه خراسان بزرگ به همراه داشت. از سویی وجود مضجع شریف رضوی و پیشینه کهن فرهنگی خراسان، آن را بدل به منطقه‌ای حائز اهمیت در توسعه فرهنگ و هنر آن روزگار کرده و با حکمرانی شاهزاده ابراهیم میرزای صفوی (۹۸۴-۹۶۴ ه.ق)، رونق کارگاه هنری مشهود به اوج خود رسید. در کارستان هنری شاهزاده ابراهیم میرزا در مشهد، نسخ متعددی مصور گردید از جمله نسخه مصور هفت‌اورنگ جامی که متأسفانه تاکنون پژوهش‌های اندکی در واکاوی وجوه فرهنگی در نگاره‌های آن صورت پذیرفته است.

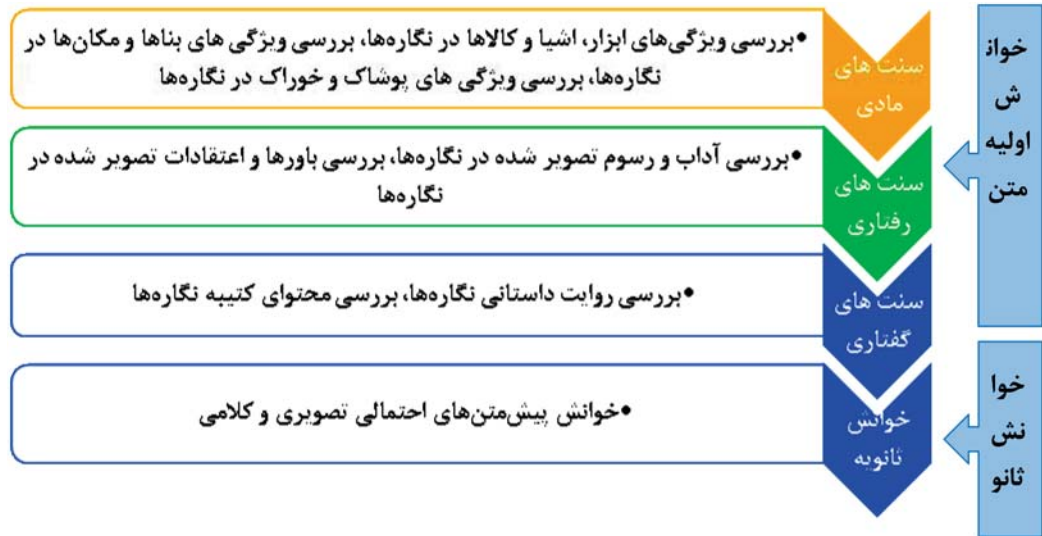
هدف در پژوهش حاضر بازنشاسی ابعاد فرهنگ‌عامه مردم خراسان در عصر شاهزاده ابراهیم میرزای صفوی در نگاره‌های نسخه هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی بینا فرهنگی آن است.

سوال‌های این پژوهش عبارت‌اند: از ۱. در خوانش اولیه نگاره منتخب، چه وجوهی از فرهنگ‌عامه و روش زندگی مردمان آن روزگار مشهود است؟ ۲. پیش‌متن‌های تصویری احتمالی بینا فرهنگی وجوه فرهنگ‌عامه منعکس در این نگاره چیست؟ **ضرورت و اهمیت** پژوهش حاضر در این است که یافته‌های آن می‌تواند به بازنشاسی وجوه فرهنگی مردم خراسان در دوره صفویه که در نگاره‌های این دوره بازتاب یافته، کمک کند و نیز با بررسی پیش‌متن‌های احتمالی تصویری این وجوه، به شناخت بیشتر ویژگی‌های مکتب نگارگری مشهد بیانجامد. به علاوه انجام چنین پژوهش بینا

رشته‌ای که با بررسی نظام‌های نشانه‌ای متفاوت اما مرتبط، به بازآفرینی متن از طریق خوانش آن به‌ویژه خوانشی بر بستر فرهنگ‌عامه می‌پردازد، از ضروریات فرهنگی و هنری هر جامعه‌ای است تا مبتنی بر دستاوردهای جدید پژوهشی بتوان از زاویه‌ای جدید و دقیق‌تر مسئله را بررسی کرد و بنیان‌های فرهنگی و هنری آن را بازشناخت.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادین، روش آن تطبیقی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای-اسنادی است. از آنجا که خوانش متن همواره حجم بسیاری از اطلاعات را فراهم می‌آورد، تنها امکان مطالعه نسبتاً کامل یک نگاره در پژوهش حاضر وجود دارد؛ بنابراین منطبق با اهداف پژوهش و به‌صورت هدفمند، نگاره «اندروز پدر به فرزند درباره عشق» از مجموع ۲۸ نگاره موجود در نسخه مصور هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا انتخاب و تجزیه و تحلیل شد. این نسخه با شناسه F1946.12 در گالری هنر فریر واشنگتن نگهداری می‌شود و طی سال‌های ۹۷۳-۹۶۳ ه.ق توسط نگارگران کارگاه هنری شاهزاده ابراهیم میرزای صفوی مصورسازی شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کیفی و بر اساس نظریه بینامتنیت خوانشی رولان بارت و مایکل ریفاتر، در دو مرحله انجام شد. در خوانش نخست به تحلیل اولیه و خوانش عناصر فرهنگی نمایان در لایه ظاهری و پدیداری متن (فنومتن)^۱ خواهیم پرداخت و پیش‌متن‌های حتمی را بررسی کرده و در خوانش دوم ضمن بررسی مفهومی و پرداختن به لایه‌های زیرین (ژنومتن)^۲، نظام فرهنگی و پیش‌متن‌های احتمالی درون فرهنگی و برون فرهنگی آن را مورد واکاوی و خوانش دقیق‌تر قرار می‌دهیم. ضمن اینکه در خوانش اولیه و تعیین مصداق‌های فرهنگ‌عامه از پژوهش فاضلی (۱۳۸۱) سود جست و به واکاوی سنت‌های مادی، رفتاری و گفتاری فرهنگ‌عامه عصر ابراهیم میرزای صفوی در نگاره‌های منتخب خواهیم پرداخت؛ سنت‌های مادی به مجموعه آثار، اشیاء، کالاها، بناها و ابزارهایی گفته می‌شود که از گذشته به‌جامانده و می‌توانیم آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کنیم: ابزارها، مکان و مسکن، پوشاک و خوراک. سنت‌های رفتاری مجموعه رفتارهایی هستند که در جامعه میان عده زیادی از افراد مشترک‌اند و ریشه در نظام ارزش‌ها و باورهای جامعه دارند و در سه گروه قرار می‌گیرند: رسوم اخلاقی، شیوه‌های قومی، عرف و عادت. سنت‌های گفتاری: مجموعه سنت‌هایی است که در قالب کلمات و جملات بیان می‌شوند. این سنت‌ها ریشه در اعتقادات، باورها، دانش‌ها، فلسفه‌ها، ارزش‌ها و نیازهای یک جامعه دارند. بر این اساس فرایند انجام پژوهش منطبق بر نمودار ۱ خواهد بود. شیوه تجزیه و تحلیل کیفی است.



نمودار ۱. فرایند تحلیل پژوهش حاضر، مأخذ: نگارندگان .

پیشینه تحقیق

کامل نگاره‌ها با توجه به موقعیت دربار سلطان ابراهیم میرزا و مکتب مشهد پرداخته و همچنین در کتاب «شعر و نقاشی ایرانی، حمایت از هنر ایران» که در سال ۱۳۸۲ توسط عبدالعلی براتی و فرزند کیانی ترجمه شده است، درباره هفت‌اورنگ توضیحاتی آورده و آن را به‌عنوان یکی از شاهکارهای مهم هنر ایران معرفی می‌کند. اما گروه دوم پژوهش‌هایی است که درباره فرهنگ عامه انجام شده است مانند حسن‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله «نگاهی به ادبیات عامه در عصر صفوی» در شماره ۲۶ بهارستان سخن، معتقد است در دوره صفویه فرهنگ عامه از توجه زیادی برخوردار بوده و مردمی شدن ادب و هنر، رونقی به فرهنگ توده بخشیده است. فرخ فر و طاهر در مقاله «واکوی فولکلور مادی رنگ بر بستر فرهنگ عصر صفوی» منتشره در شماره دوم، دوره ۱۲ نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (۱۳۹۹)، کاربرد رنگ در نگاره‌های هفت‌اورنگ را بر بستر فرهنگ عامه آن روزگار بررسی کرده و نتیجه می‌گیرند نگارگران برای نمایش تمایز فرهنگی در جوامع شهری، روستایی، عشایر و طبقه درباری از رنگ بهره جسته و آن را متناسب با جوه فرهنگ عامه آن روزگار به‌کاربرده‌اند. همچنین طاهر و همکارانش (۱۴۰۲) در مقاله‌ای در شماره ۶۷ نشریه نگره، به بررسی «بازتاب باورهای دینی و فرهنگی عصر صفوی در نمادپردازی نگاره‌های نسخه هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که محتوای فرهنگی نگاره‌ها در نمادپردازی نگاره‌های هفت‌اورنگ مورد توجه نگارگران آن دوره بوده است. صادق هدایت (۱۳۸۵) در کتاب «فرهنگ عامیانه مردم ایران» که در زمینه فرهنگ و عادات بومی مردم ایران در نشر چشمه منتشر شده

پیشینه پژوهش حاضر در دو گروه قابل‌بررسی است: نخست پژوهش‌هایی که درباره هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا صورت گرفته که مهم‌ترین این پژوهش‌ها توسط ماریا شرو سیمپسون انجام شده است. او در مقاله «کشف شیخ محمد در جامی فریر» (۱۹۹۸)، شماره ۲۸ نشریه هنرهای شرقی، به بخش‌هایی از زندگی و آثار شیخ محمد می‌پردازد و او را مهم‌ترین نقاش مکتب مشهد می‌داند. گرچه مطالعات سیمپسون فتح بابی در پژوهش‌های مرتبط با هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا است و گاهی در آن‌ها به جوه فرهنگی آن دوره نیز اشاره شده اما در پژوهش حاضر تمرکز بر خوانش بینا فرهنگی نگاره‌های این نسخه است. همچنین در شماره ۴۰ پژوهشنامه خراسان بزرگ، احمدی و فرخ‌فر (۱۳۹۹) در مقاله «مکتب کتاب‌آرایی مشهد و نقش آن در توسعه نگارگری عصر صفوی»، به معرفی آثار مصور مکتب مشهد پرداخته و نقش این مکتب را در توسعه نگارگری عصر صفوی بررسی کرده‌اند. در این مقاله به اوضاع سیاسی فرهنگی خراسان در عصر صفوی اشاراتی شده اما از فرهنگ و بازتاب آن در نگاره‌های هفت‌اورنگ سخنی به میان نیامده است. محبی و همکارانش (۱۳۹۷) نیز در مقاله «بررسی رابطه جایگاه اجتماعی و انتخاب رنگ البسه در نگاره‌های دوره صفویه» در شماره ۳ هنرهای صناعی اسلامی به این نکته اشاره می‌کنند که در دوره صفویه هر فرد بسته به طبقه اجتماعی خود، ملزم به رعایت شیوه‌ای خاص از نوع و رنگ پوشش بوده است. همچنین سیمپسون در کتاب «هفت‌اورنگ سلطان ابراهیم میرزا: یک نسخه سلطنتی از قرن شانزدهم ایران» که توسط انتشارات دانشگاه ییل در سال ۱۹۹۷ منتشر شده، به بررسی و تحلیل

به تبیین آداب و رسوم، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها، باورها و حتی خرافه‌های ایرانیان و به‌طور کلی عناصر فرهنگ‌عامه و زندگی روزمره ایرانیان پرداخته است. گرچه اخیراً مطالعات بینامتنی در ادبیات و هنر مورد توجه قرار گرفته اما پژوهشی در خوانش بینامتنی مبتنی بر نظریات بارت و ریفاتر یافت نشد. به‌عنوان مثال گرچه مایلی برجلویی و همکارش در مقاله «تحلیل بینامتنی متن و نگاره‌های نسخه خطی ۹۹۶ ه. ق دیوان جیبی اکبر شاه» در شماره ۵۱ نشریه نگره، به بینامتنیت بینا فرهنگی اشاراتی دارند اما این تحلیل با خوانش بینامتنی متفاوت است و تنها به روابط بین متن و تصویر اشاره کرده است. در واقع تاکنون تحلیل محتوایی نگاره‌های هفت‌اورنگ با توجه به وجوه فرهنگ‌عامه بر اساس روابط بینامتنی صورت نپذیرفته است و در اندک پژوهش‌هایی که درباره این آثار انجام شده، بازشناسی پیش‌متن‌های بینا فرهنگی آن‌ها مورد توجه قرار نگرفته است؛ بنابراین در پژوهش حاضر با رویکردی نو و از منظر فرهنگ‌عامه و زندگی روزمره ایرانیان، به تحلیل بینامتنی نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا خواهیم پرداخت.

رویکرد نظری پژوهش: بینامتنیت

پس از نظریات فردینان دو سوسور^۳ در نشانه‌شناسی، آراء میخائیل باختین^۴، آرائه مفهوم بینامتنیت توسط ژولیا کریستوا^۵ معنای سنتی متن دچار دگرگونی و تحول فراوانی شده است. به نظر کریستوا، هر متن مجموعه‌ای از دال‌ها یا «واحد‌های معنایی» است. این واحدها از راه فهم مناسبات بینامتنی تبدیل به موضوع‌های معنایی می‌شوند. زمانی که به معنا یا معناهای متنی می‌اندیشیم «درواقع به‌جای کنش بینا ذهنی، کنش بینامتنی ایجاد می‌شود». این کنش آشکارا معنای تازه‌ای از متن را مطرح می‌کند. چنان‌که او در کتاب «انقلاب زبان شاعرانه» برداشت جدیدی از متن را این‌گونه بیان می‌کند: «در هر متن، متون دیگری در سطح متغیر و قابل‌شناسایی وجود دارد، متن‌هایی که می‌توانند به فرهنگ‌های پیشین متعلق باشند. اهمیت بینامتن در این است که نظام نشان‌های متون پیشین را نفی کرده، یک نظام نشان‌های جدید تأسیس می‌کند» (کریستوا، ۱۹۸۴: ۶۱-۶۰). رولان بارت^۶ و مایکل ریفاتر^۷ از جمله کسانی بودند که در توسعه این نظریه کوشیدند.

بینامتنیت در نظر رولان بارت و مایکل ریفاتر

بینامتنیت نزد بارت به یک نظریه زیربنایی تبدیل می‌شود، چنان‌که با آن نظریات اصلی خود همچون تفاوت میان اثر و متن، مرگ مؤلف، مخاطب محوری و لذت متن را بنا می‌نهد. در نظر او متن همانند اثر نیست که به یک معنای واحد و پنهان محدود شود و کار مفسر و منتقد یافتن این معنای مرکزیت یافته و واحد باشد، بلکه تکرار معنایی موجب

می‌شود هر شخصی در فرآیندی که قرار می‌گیرد معنایی از معناهای گوناگون را کشف یا حتی خلق کند. بارت درباره خویشتاوندی به‌ویژه در ارتباط با مؤلف می‌گوید: «متن می‌تواند بدون ضمانت، پدرخوانده شود و برعکس آن بازسازی میان متن، مسئله وراثت را از بین می‌برد. موضوع این نیست که مؤلف نمی‌تواند به متن دیگری یا به متن خود بازگردد؛ اما در چنین صورتی وی به‌عنوان مهمان مطرح می‌شود»؛ بنابراین، روابط میان متن‌ها جایی رابطه میان مؤلف و اثر را می‌گیرد. این تعامل و تداخل بینامتن در تولید متن، موجب از بین رفتن اصالت مؤلف و اقتدار او می‌گردد (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۴۹). در واقع تأثیرگذاری نویسندگان پیشین در نویسندگان پسین نزد مخاطب و در خوانش آن‌ها امکان‌پذیر می‌شود. چنان‌که گویا دو سیر زمانی وجود دارد، یکی زمان نوشتن و تقدیمات نوشتاری که به مؤلفان بازمی‌گردد و دیگری زمان خوانش که از آن مخاطبان است. این دو در اغلب موارد نه‌تنها با هم یکی نیستند، بلکه متفاوت و وارونه می‌شوند. به همین دلیل برخلاف روند تألیفی، در روند خوانشی گاهی نویسنده‌ای معاصر پیش متن نویسنده‌ای باستانی می‌شود (همان، ۱۵۰). سرانجام در نظر بارت این متن است که دارای دویله‌ی متفاوت درونی (ژنومتن) و بیرونی (فنومتن) است. فنومتن بخش ظاهری متن است و ژنومتن لایه زیرین آن که موجب دلالت‌پردازی می‌شود. این بینامتن است که به ژنومتن امکان وجود تأویل‌های گوناگون را می‌بخشد، زیرا با بینامتن آواهای گوناگون در کنار هم قرار می‌گیرند و این وضعیت چندآوایی موجب تکرار معنا یا همان دلالت‌پردازی می‌شود (همان، ۱۵۲). مایکل ریفاتر از نظریه‌پردازان نسل دوم بینامتنیت است که برخلاف نظریه‌پردازان نسل اول که بیشتر بر بینامتنیت تولیدی و نظریه‌پردازی متمرکز بودند، به بینامتنیت کاربردی می‌پردازد. به عقیده ریفاتر، میان متن و خواننده، دیالکتیکی پویا برقرار است و عملاً فهم متن، به‌ویژه شعر، در اثر این پیوند و پیش‌فرض‌های بینامتنی حاضر در متن و ذهن مخاطب ممکن می‌شود (ریفاتر، ۱۹۷۸: ۳-۱). در نظر او «بینامتن، مجموعه متن‌هایی است که می‌تواند به آنچه پیش چشم‌مان قرار دارد، مرتبط شود؛ مجموعه متن‌هایی که فرد در خاطراتش هنگام خوانش یک نوشتار معین درمی‌یابد. در نتیجه بینامتن، یک پیکره بی‌پایان است» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷۱). ریفاتر با تقسیم‌بندی حوزه بینامتنیت به حتمی و احتمالی معتقد است: «بینامتنیت حتمی، متضمن مواردی است که در آن‌ها یک بینامتن آشکارا در پس متنی دیگر قرار می‌گیرد؛ و بینامتنیت احتمالی متضمن مواردی است که در آن‌ها بینامتن‌های بالقوه بسیاری را می‌توان برای یک متن خاص یافت» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۸۶). به‌عبارت‌دیگر هرگاه مناسبات بینامتنی را نتوان از متن موردنظر منتقد حذف یا انکار کرد، با بینامتنیت حتمی یا اجباری مواجه می‌شویم. اما برعکس

ابراهیم میرزا، سلسله الذهب، آمده است و چهارمین نگاره این دفتر است (تصویر ۱). مثنوی سلسله الذهب در مسائل دینی و اخلاقی همراه با قصص گوناگون است که نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۷۱-۷۹۳ ه.ق) آن را به نام سلطان حسین بایقرا سروده است. در این داستان پسری صاحب جمال از پدر می پرسد چگونه می تواند از میان خیل خواستگاران و ستایشگران، کسی را برگزیند. پدر او را پند می دهد که عشق ازلی آن است که عاشق به زیبایی درون دل ببندد و نه زیبایی ظاهر و بیرون ولی هر کس به قدر همتش به آن دست می یابد. این گفت و گو درباره جوهر عشق در آچیق باغی زیبا بین پدر و پسر صورت می گیرد. آن ها زیر سایه درخت چناری استوار با برگ های رنگارنگ بهاری نشستند. تعداد زیادی پرند روی شاخه نشسته اند و کودکان بازیگوش از لانه پرند های در بالای شاخه های درخت جوجه بر می دارند. چند نفر مشغول بازی شطرنج اند و افرادی مشغول صحبت و عده ای در حال نواختن. فردی بر دیوار درون عمارت چیزهایی می نویسد و جوانی به خواندن کتاب مشغول است. خوانش اولیه نگاره و عناصر فرهنگی قابل مشاهده در لایه بیرونی متن به صورت زیر است:

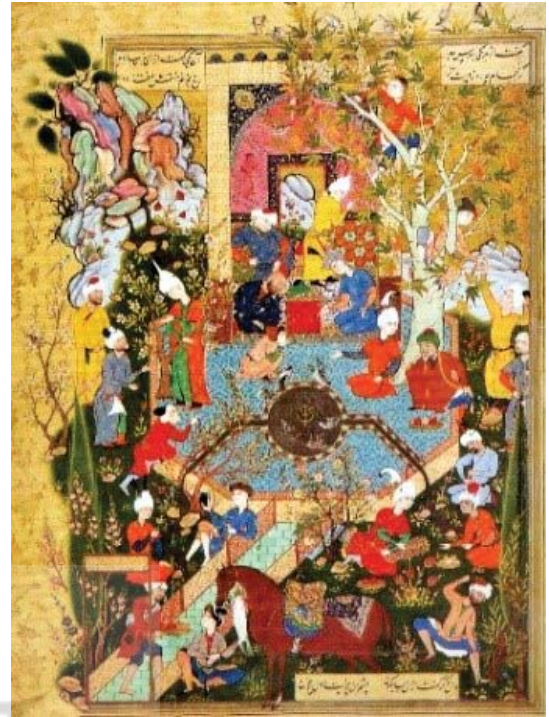
الف. سنت های مادی: مجموعه عناصر فرهنگی که در قالب ابزار، مکان، پوشاک و خوراک در این نگاره به چشم می خورد، مواردی است که از سنت های مادی فرهنگ

ایرانیان به شمار می رود و به شرح زیر است:

۱. ابزار - شطرنج: از جمله مهم ترین ابزارهای که در نگاره دیده می شود شطرنجی با صفحه سرخ و مهره های سیاه و سفید است. شطرنج یک بازی دونفره است که روی صفحه شطرنج و با استفاده از مهره های آن (شاه، وزیر، رخ، فیل، اسب و سرباز) انجام می شود. هر یک از مهره های شطرنج به شکل خاص حرکت می کنند و قادر به زدن مهره های حریف نیز هستند. هدف این بازی مات کردن حریف است؛ یعنی ایجاد وضعیتی که شاه حریف بعد از کیش شدن هیچ راهی برای فرار نداشته باشد.

۲. آلات موسیقی: مهم ترین سازهای زهی که در نگاره های دوران صفوی دیده می شوند، شامل سازهای چنگ، عود، تنبور، کمانچه، رباب، شدرغو، قانون و شش تار است. در میان این سازها، چهار ساز عود، کمانچه، تنبور و شدرغو بیشتر از انواع دیگر سازها متداول بوده اند (رشیدیان، ۱۳۹۹: ۵۹). آلات موسیقی که در این نگاره دیده می شود، نی، تنبور و دف یا دایره است. تنبور از دسته سازهای زهی است که دارای کاسه ای یک قسمتی و نیمه گلابی شکل، صفحه ای چوبی، دست های بلند و سرپنجه ای مستقیم است و از نظر ظرافت کاسه و دسته شباهت بسیاری به «سه تار» امروزی دارد.

۳. کتاب: از جمله مهم ترین ابزار انتقال دانش و فرهنگ است



تصویر ۱. نگاره اندرز پدر به فرزند درباره عشق، هفت اورنگ ابراهیم میرزا، گالری فریر و اشنگتن، مأخذ: Simpson, 1997: 103

هنگامی که پیوندهای میان متنی بر اساس تجربیات شخصی فرد و یا خواننده ایجاد شود، با بینا متنتیت احتمالی و تصادفی مواجه می شویم (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۸۷)؛ بنابراین از نظر ریفاتر خواننده نباید به نخستین خوانش بسنده کند، بلکه به کمک خوانش دوم که خوانشی غیرخطی و بازگشتی است، باید امکان فهم معنایی پنهان را فراهم آورد. با توجه به نظرات این دو نظریه پرداز بینا متنتیت، رولان بارت و مایکل ریفاتر می توان چنین گفت که در بینا متنتیت خوانشی، آنچه در پژوهش حاضر مدنظر ما بوده، نقش اصلی به عهده مخاطب است و این پیش متن های ذهنی اوست که خوانش جدیدی از متن ارائه می دهد، به طوری که گویی متن باز تولید شده؛ اما این پیش متن ها در خوانش اولیه اثر قابل شناسایی نیستند و نوعی نادرستی ها را نمایان می سازند که در خوانش دوباره متن قابل شناسایی است و به مدد آن ها معنای اصلی متن آشکار خواهد شد. از نظر این اندیشمندان، این معانی در همه نظام های نشانه ای صادق بوده و توسط آنان در هنر نیز مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است.

معرفی و خوانش اولیه پیکره مطالعاتی

پیکره مطالعاتی پژوهش حاضر، نگاره «اندرز پدر به فرزند درباره عشق» است. این نگاره با ابعاد: ۱۶۸×۲۶۳ میلی متر، منسوب به میرزاعلی است و در دفتر اول هفت اورنگ

که نزد ایرانیان احترام بسیاری دارد. در این نگاره کتابی با جلد سیاه‌رنگ در دست جوانی است که بر گوشه‌ای تکیه زده و آن را می‌خواند.

۴. **فواره و حوض آب:** فواره طلایی آب در وسط حوضی که در میان بهارخواب قرار دارد علاوه بر کارکرد زیبایی، سبب خنک شدن و افزایش رطوبت هوای محیط شده و از این نظر در معماری ایرانی موردتوجه بوده است. در این نگاره حوض آب و فواره طلایی آن و بازی مرغابی‌ها به زیبایی ترسیم شده است.

۵. **زین و یراق اسب:** از جمله مهم‌ترین مرکب ایرانیان می‌توان به اسب اشاره کرد که از دیرباز موردتوجه و احترام آنان است. تهیه زین و یراق آلات زیبا چنانکه در این نگاره دیده می‌شود، نشان از اهمیت اسب نزد ایرانیان دارد.

۶. **ابزار باغبانی:** در گوشه پایین این نگاره، باغبانی بیل به دست مشغول کار است.

۷. **فرش و متکا:** درون بنای عمارت فرشی با طرح‌های اسلیمی و ختایی دیده می‌شود که شطرنج‌بازان روی آن نشسته‌اند. دو متکا هم در دو جای نگاره زیردست افراد دیده می‌شود.

۸. **مکان:** بنایی در وسط نگاره با بهارخواب و حوضی در میانه آن و باغ اطرافش با درختان و گل‌های مختلف دیده می‌شود که ساختمان ساده آن با تزئینات معماری شامل طاق و ایوان کاشی‌کاری شده و بهارخواب با موزاییک‌های طرح دار آبی پوشیده شده است. حوض و فواره آبی از هر دو طرف به سمت پایین روان است و این تنها به مدد لوله‌کشی‌های توکار بنا امکان دارد.

۹. **پوشاک:** لباس مردان میان‌سال، جوانان و نوجوان در نگاره دارای اجزایی شبیه به هم و مشتمل بر بالاپوش، زیر جامه، شلوار، کلاه، دستار و کفشی بسیار ساده است که در رنگ‌های مختلف به‌کاررفته و برخی لباس‌ها نیز طرح‌های ختایی بر زمینه تکرنگ دارند. این جامه و طرح‌های آن با جامه و پارچه صفویان منطبق است. به‌ویژه دستار و کلاه قزلباش که بر سر برخی افراد دیده می‌شود از جمله پوشاک سنتی عهد صفوی است.

۱۰. **خوراک:** در نگاره سینی‌های پذیرایی با انارهای سرخ در کنار میوه دیگری شاید سیب یا گلابی دیده می‌شود. همچنین جام شرابی هم در لابه‌لای بوته گلی در مقابل جوانی لمیده در گوشه پایین قاب به چشم می‌خورد.

ب. **سنت‌های رفتاری:** افراد بسیاری در نگاره حضور دارند که خود از ویژگی‌های مکتب مشهد است و هر یک به کاری مشغول‌اند. مجموعه رفتارهایی که نمایانگر یک بخش از فرهنگ ایرانیان است به‌صورت زیر قابل‌بررسی هستند:

۱. **تفرج در باغ:** ایرانیان به تفریح و تفرج در باغ به همراه جمع دوستان و خانواده علاقه‌مندند و روز خاصی در بهار بیشتر ایرانیان در باغ‌ها به تفرج مشغول‌اند. در این نگاره

جمعی در باغ به تفرج مشغول‌اند.

۲. **شطرنج‌بازی:** از جمله سرگرمی فکری و بازی دیرینه ایرانیان در محافل بازی‌های تخته‌ای مانند شطرنج و نرد است. در این نگاره دو نفر مشغول به بازی و یک نفر تماشاچی است. یکی از آن‌ها چنان مشغول تفکر است که کلاه از سر برداشته و کناری نهاده است.

۳. **یادگار نویسی:** یادگار نویسی از دیرباز در میان ایرانیان رواج داشته و به‌نوعی میل به جاودانگی را تداعی می‌کند. در این نگاره فردی بر دیوار پشتی بنا در حال نوشتن مطلبی است و یادگاری‌های دیگران هم همراه با تصویر جوانی بر دیوار دیده می‌شود.

۴. **نواختن موسیقی:** طبیعت بهاری باغ از جمله فضاهایی است که در فرهنگ ایرانیان مناسب طرب و شادی و موسیقی است. در این نگاره فردی در جمع دوستان نی می‌زند، فردی دفی زیر بغل دارد و دیگری تنبور می‌نوازد.

۵. **خواندن کتاب:** خواندن کتاب به‌ویژه کتاب‌های شاعران بسیار در بین ایرانیان رواج داشته مانند شاهنامه‌خوانی. در این نگاره جوانی لمیده در مقابل دوستش که شاخه گلی به دست دارد احتمالاً مشغول خواندن کتاب شعر است.

۶. **نقل حکایت:** نقل داستان و حکایت در محافل و دورهمی‌ها از جمله سنت‌های رایج فرهنگ ایرانی است. در این نگاره هم حکایت پدر و گفتگوی آن دو موردتوجه بقیه قرار گرفته و چند نفری مشغول گوش دادن هستند.

۷. **پذیرایی:** پذیرایی از میهمان از جمله رسوم فرهنگی ایرانیان است و در این نگاره فردی در حال آوردن سینی میوه برای میهمانان دیده می‌شود.

ج. **سنت‌های گفتاری:**

بررسی سنت‌های گفتاری رایج در عهد صفوی، جز به مدد بررسی نوشتار ممکن نیست. در این نگاره کتیبه‌ها و یادگارهای دیوار باغ، راهی برای پی بردن به سنت‌های گفتاری رایج آن دوره از جمله ضرب‌المثل‌ها، لغات یا اصطلاحات رایج و اشعار و ابیاتی است که در کوچه و بازار خوانده می‌شده یا بیشتر مورد استفاده بوده و در قالب خاطره‌نویسی بر دیوار دیده می‌شود.

۱. **کتیبه‌های نگاره:**

بر کتیبه بالایی نگاره می‌خوانیم:

گفت از هر یکی بپرس جدا

کز جمال چه ره زدست ترا

آن یکی گفت از آن رخ ساده

رخ به خونم منقش افتاده

و در پایین نگاره آمده است:

وان دگر گفت از آن لب میگون

چشم من پر نمست و دل پر خون

این ابیات بخشی از حکایت جامی است که نگاره برای آن، کشیده شده است. در خوانش اولیه این ابیات می‌توان

باغبانی که سخت مشغول کار خویش است و اسبی که با زین و یراق تزئین شده و زیبایی در گوشه‌های ایستاده است. در این خوانش اولیه، وجوه فرهنگی بسیاری نمایان است: چه سنت‌های مادی فرهنگ‌عامه مشتمل بر ابزاری چون شطرنج، آلات موسیقی، کتاب، فواره و حوض آب، زین و یراق اسب، ابزار باغبانی، فرش و متکا و بنای عمارت و خوراکی چون شراب و انار و چه سنت‌های رفتاری فرهنگ‌عامه مانند تفرج در باغ، شطرنج‌بازی، یادگار نویسی، بازی کودکان، نواختن موسیقی، خواندن کتاب، نقل حکایت، پذیرایی و باغبانی و چه سنت‌های گفتاری مشتمل بر ابیاتی که مضمون عاشقانه دارند و روی دیوار عمارت به یادگار نوشته شده‌اند و چه متن کتیبه‌ها که برگرفته از شعر جامی از حکایت اندرز پدر به پسر درباره عشق است. به علاوه تشعیر این نگاره نیز چون باغی زیبا از گل‌های ختایی و نیلوفر طلایی قابل توجه است.

خوانش ثانویه پیکره مطالعاتی:

در خوانش اولیه نگاره «اندرز پدر به فرزند درباره عشق» از هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا دلالت‌های صریحی بر مضامین فرهنگی مانند سنت‌های مادی نظیر ابزار (شطرنج، آلات موسیقی، کتاب، فواره آب، زین و یراق اسب، ابزار باغبانی، فرش و متکا)، مکان (بنای عمارت)، پوشاک (لباس مردان میانسال، جوان و نوجوان)، خوراک (انار و شراب) و سنت‌های رفتاری مانند تفرج در باغ، شطرنج‌بازی، یادگار نویسی، بازی کودکان، نواختن موسیقی، خواندن کتاب، نقل حکایت، پذیرایی و باغبانی و نیز سنت‌های گفتاری همچون کتیبه‌های نگاره و نوشته‌های یادگاری‌های دیوار عمارت مورد بررسی قرار گرفت. باید توجه داشت خوانش‌های ثانویه متعددی از یک متن امکان‌پذیر است، اما با توجه به تأکید پژوهش حاضر بر وجه نگارگری و نه ادبی متون، بیشتر بر پیش‌متن‌های تصویری وجوه فرهنگی متمرکز بوده و تا حد امکان پیش‌متن‌های کلامی متن نیز معرفی خواهند شد.

خوانش تصویری وجوه فرهنگی پیکره مطالعاتی: تلاش

می‌کنیم در خوانش تصویری نگاره‌ها پیش‌متن‌های احتمالی تصویری نگاره‌ها را مورد بررسی قرار دهیم اما با توجه به گستردگی آن‌ها، نمونه‌هایی از دوره‌ها و مکاتب مختلف نگارگری به ویژه آن‌هایی که به این دوره زمانی نزدیک‌ترند، ارائه خواهد شد و پیشنهاد می‌کنیم پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام شود.

۱. بازی شطرنج:

در مورد منشأ بازی شطرنج اختلافاتی وجود دارد مبنی بر اینکه اولین بار سفیر هند به ایران آمد و بازی شطرنج را به شاه ساسانی عرضه داشت و بزرجمهر (بزرگمهر) وزیر

دریافت که پدر به پسر می‌گوید از هرکسی که به تو ابراز علاقه می‌کند، علت علاقه‌اش را بپرس. پاسخ دلدادگان وی گوناگون و اغراق‌آمیز است: یکی از شدت زیبایی یار و تمنای وصال، خون می‌گیرد و دیگری از زیبایی یار، دیده گریان دارد و دلش از داغ هجر پر خون است. اغراق در بیان و کاربرد عباراتی چون «رخ به خونم منقش افتاد است»، «لب میگون» و «چشم پر نم» در بیان شدت واقعه یا زیبایی یار امری رایج در ادبیات و فرهنگ‌عامه در توضیح مشقات احتمالی یا شدت و کیفیت یک حالت بوده و تمثیل «دل پر خون» که هنوز هم در ادبیات و محاوره روزمره مورد استفاده است، نیز از این‌گونه اغراق در بیان است که جزو عبارات محاوره‌ای رایج در فرهنگ‌عامه ایرانیان است.

۲. یادگاری‌های دیوار عمارت:

در کنار تصویر یاری جوان، ابیات و نوشته‌هایی نیز بر دیوار عمارت دیده می‌شود؛ مانند ابیات زیر:

نوشتم بر در و دیوار هر منزل غم عشقت

که شاید بگذری روزی و خوانی شرح حال من

با دل خود صورت او در مقابل داشتم

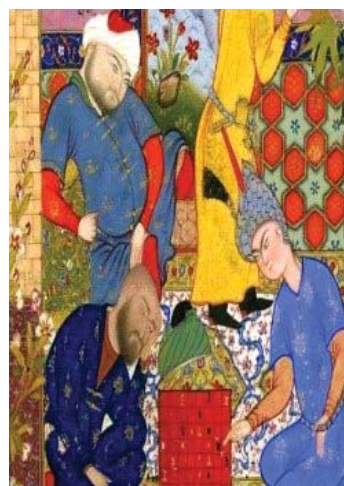
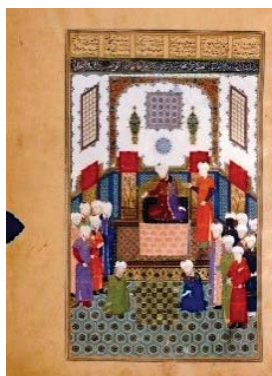
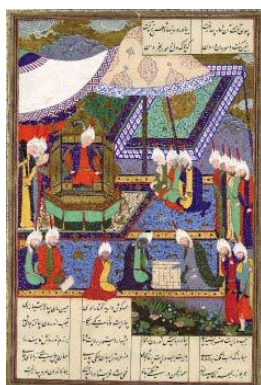
در مقابل صورتی داشتم که در دل داشتم

بیت اول بسیار مرسوم است و هنوز هم در میان یادگاری‌های مکان‌های مختلف بسیار دیده می‌شود. این بیت در فرهنگ‌عامه و بین مردم کوچه و بازار، برای نوشتن یادگاری بر در و دیوار مکان‌های پرتردد، تاریخی و یا مکان عبور فرد مورد نظر نویسنده استفاده می‌شده است.

دومین بیت هم گویی کاربرد دل و صورت در دو مصرع، در واقع تأکید بر یاد معشوق که پیوسته در دل عاشق است. این نوع اشعار که از جابجایی کلمات مصرع اول و دومین مصرع شکل می‌گیرد، از نظر تقنی که در بیان دارد بسیار مورد اقبال عامه قرار می‌گیرد و گاه برای سرگرمی هم بین مردم تکرار می‌شود و به نمونه دیگری از سنت‌های گفتاری فرهنگ‌عامه اشاره دارد.

بنابراین در خوانش اولیه نگاره «اندرز پدر به فرزند درباره عشق» از هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا دلالت‌های صریحی بر مضامین فرهنگی به چشم می‌خورد. افرادی که به تفرج در باغی زیبا و دارای عمارت کاشی‌کاری و حوض و فواره آب مشغول‌اند. عده‌ای سرگرم بازی شطرنج و برخی مشغول نواختن موسیقی و لذت از پذیرایی هستند. جوانی کتاب می‌خواند و در مقابلش فردی با شاخه گلی در دست، نشسته است. افرادی که در جای‌جای نگاره به صحبت مشغول‌اند و پدری که در سایه چنار بزرگی نشسته و فرزند را درباره عشق اندرز می‌دهد و افرادی که با دقت به این حکایت گوش می‌دهند. کودکانی که به شیطنت مشغول‌اند و از درخت بالا رفته از لانه پرندگان جوجه برمی‌دارند و هیاهوی مادران جوجه‌ها که در تلاش و پرواز بر بالای چنار تجمع کرده‌اند.

خوانش بینامتنی سنت‌های فرهنگی عامه
در نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا
با تأکید بر نگاره «اندرز پدر به فرزند
در باره عشق» / ۷۵-۵۵ / ابوالقاسم
دادور، زهره طاهر



ج. بوزرجمهر استاد بازی شطرنج هندی،
شاهنامه تهماسبی، ۹۳۴-۹۳۹ ه.ق. موزه
متروپولیتن، مأخذ: www.metmuseum.org

الف. بخشی از نگاره منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103
ب. بوزرجمهر استاد بازی شطرنج هندی،
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۴ ه.ق. مأخذ:
www.portal.unesco.org

تصویر ۲. شطرنج در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن، (الف، ب و ج)

شبهه شطرنج امروزی است و یک‌درمیان روشن و تیره
ترسیم‌شده؛ اما صفحه‌تکرنگ قرمز نگاره منتخب ۱ به
صفحه شطرنج هندی شبیه است با این تفاوت که مهره‌های
سفید و سیاه آن کاملاً قابل مشاهده‌اند اما مهره‌های شطرنج
هندی، طلایی‌رنگ است. انتخاب رنگ قرمز یکدست برای
صفحه شطرنج، با توجه به سفید بودن بیشتر صفحه‌های
شطرنج نگاره‌ها به‌عنوان پیش‌متن‌های احتمالی تصویری،
معنای ثانویه‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد. با اینکه در
خوانش اولیه، شطرنج‌بازی تنها نوعی سرگرمی و بازی
فکری دوستانه به نظر می‌رسد، اما در خوانش ثانویه این
نگاره می‌توان معنای مستتر عشق را در پیچیدگی بازی
شطرنج و صفحه قرمز آن دریافت.

۲. آلات موسیقی و نواختن آن:

در نگاره‌های دوره‌ها و مکاتب مختلف، از آلات موسیقی
متفاوتی استفاده شده است. موسیقی در دوران قبل از
اسلام در اغلب مواقع با اعتقادات جامعه پیوندی عمیق
داشت و از سوی مورد توجه و حمایت برخی حکومت‌ها
قرار می‌گرفت، چنانکه مقام نوازندگان را ارج می‌نهادند.
به‌عنوان نمونه از دوره ساسانی بر نقش برجسته‌ای، زنان
در حال نواختن چنگ در یک دسته موسیقی تصویر شده‌اند
(تصویر ۳. ب). در نقاشی‌های مانویان نیز به موسیقی
توجه شده است (تصویر ۳. ج).
در دوره اسلامی، هنر موسیقی فرزان و نشیب‌های بسیاری

بر وی غلبه کرد و زیرکی ایرانیان را به رخ کشید یا روایتی
که ابوریحان در تحقیق مال الهند آورده به این شکل که
اولین بار برزویه طبیب در سفرش به هند، آن را فراگرفته و
به ایرانیان معرفی کرده است و البته روایاتی که حتی مبدع
این بازی را ایرانیان می‌دانند.

در تاریخ ادب ایران، شاعرانی مانند عطار، فردوسی، سنایی،
سعدی، حافظ، عراقی و اوحدی به شطرنج اشاره کرده
و به‌ویژه مولوی چنان بر اصطلاحات این بازی مسلط
بوده که آن‌ها را در حوزه عرفان وارد کرده و مهم‌ترین
مباحث عرفانی و اندیشه‌های شاعرانه را با دقایق و ظرایف
بازی شطرنج بیان کرده است (علیزاده خیاط، ۱۳۹۷:
۴۵). در تصویر ۲. ب، برخلاف نگاره‌های قبل که صفحه
شطرنج تکرنگ بود، رنگ‌آمیزی متفاوت صفحه شطرنج
با خانه‌های سیاه و سبز، در حضور پادشاه ساسانی دیده
می‌شود. اثری از حریف سیه‌چرده و لباس متفاوت هم
نیست. گویی این بار یک صحنه از تفریح و سرگرمی شاه
نشان داده شده است؛ اما همچون شطرنج نگاره منتخب ۱،
اشاره به شطرنج به‌عنوان بازی دونفره، دشوار و نیازمند
تفکر در همه نگاره‌ها مشهود است. چنانکه عده‌ای تماشاچای
متحیر و متفکر در اطراف بازیکنان به تماشا نشسته‌اند که
در بین آنان به‌ویژه در نگاره‌های شاهنامه، شاه ایران نیز
حضور دارد (تصویر ۲. ج). در اغلب نگاره‌ها، صفحه سفید
شطرنج با ابعاد ۸×۸، خانه‌ها و مهره‌ها دیده می‌شود و
در شاهنامه بایسنقری رنگ‌آمیزی خانه‌های شطرنج هم



ج. بریط نواز عصر مانی، قرن سوم میلادی، مأخذ: همان، ۵۷



ب. بانوان چنگ‌نواز، طاق‌بستان، دوره ساسانی، مأخذ: اکبری تیرآبادی، ۱۳۸۹: ۲۵



الف. نواختن آلات موسیقی در نگاره منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103

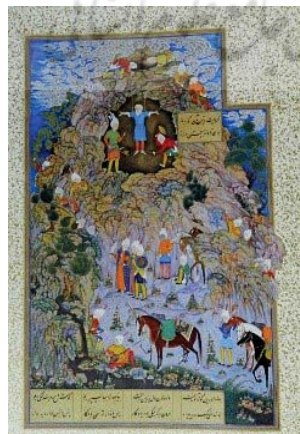
تصویر ۳. آلات موسیقی در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف، ب و ج)

این نغمه چنان زیباست که هوش از سر برخی برده و آنان را به حالت خواب برده است. چنانکه در تصویر ۴، ب دیده می‌شود، فردی در حال نواختن تنبوری با کاسه کوچک و دسته ظریف بلند شبیه به تار موسیقی آذربایجان است. با توجه به موضوع نگاره، به نظر می‌رسد این موسیقی شادی از مرگ ضحاک باشد. در نگاره منتخب تصویر ۴، الف، دف، تنبور و نی، حین تفرج در باغ استفاده شده است. دف یا دایره در این نگاره ساده و به شکل دایرهٔ سفید کوچکی ترسیم شده و نی هم جزئیات بیشتری نسبت به نمونهٔ اصلی و واقعی آن ندارد. کاسهٔ تنبور در برخی نگاره‌ها، بزرگ‌تر و در نگاره‌های دوره صفوی و در مکتب

را تجربه کرد. گاهی ممنوعیت مذهبی داشت که البته در همهٔ صنوف یکسان نبود و برخی هم مانند متصوفه آن را ممنوع نمی‌دانستند. نگاره‌های متعددی از مکاتب مختلف نگارگری ایران وجود دارد که در بخشی از آن‌ها آلات موسیقی به چشم می‌خورد. از جمله در مکتب هرات تیموری که از دوره‌های درخشان نگارگری ایران است (تصویر ۴، الف). موسیقی در دوران صفوی متأثر از دو سنت موسیقی مجلسی در خراسان و عراق عجم و موسیقی روایتی متأثر از قبایل غرب کشور به‌ویژه آذربایجان بوده است (رشیدیان و همکارش، ۱۳۹۹: ۵۳). در این نگاره در مجلس جشن شاه، فردی در حال نواختن عود دیده می‌شود. گویی



ب. کشتن ضحاک، شاهنامهٔ تهماسبی، ۹۳۹-۹۳۴ ه.ق، موزه متروپولیتن، مأخذ: www.metmuseum.org



الف. جشنی در دربار سلطان حسین بایقرا، بهزاد، ۸۹۳ ه.ق، مأخذ: کنای، ۱۳۷۷: ۱۷۶



تصویر ۴. آلات موسیقی در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف و ب)

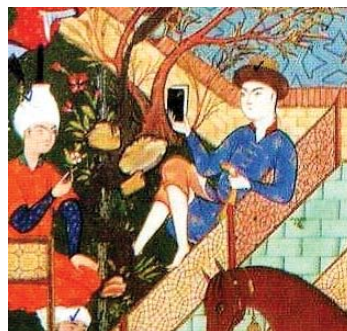
خوانش بینامتنی سنت‌های فرهنگ عامه در نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا با تأکید بر نگاره «اندرز پدر به فرزند دربارۀ عشق» / ۷۵-۵۵ / ابوالقاسم دادور، زهره طاهر



ج. ملک‌شاه سلجوقی، برگی از جامع التواریخ رشیدالدین، ۸۳۴ ه.ق، مأخذ: www.upload.wikimedia.org



ب. برگی از یک کتاب مانوی، قرن اول ه.ق، مأخذ: www.commonswikimedia.org



الف. کتاب‌خوانی در نگاره منتخب مأخذ: Simpson, 1997: 103

تصویر ۵. کتاب و کتاب‌خوانی در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف، ب و ج)

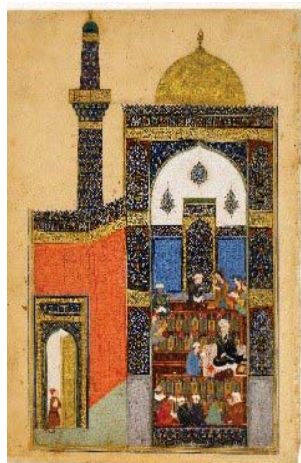
گروه‌خورده، می‌توان تأکید بر مضمون عشق دانست که موضوع نگاره است. به علاوه اینکه شاهزاده هندوست حاکم بر خراسان در این دوره، خود دارای مهارت در نواختن ساز بود و به موسیقی علاقه داشت.

۳. کتاب و کتاب‌خوانی:

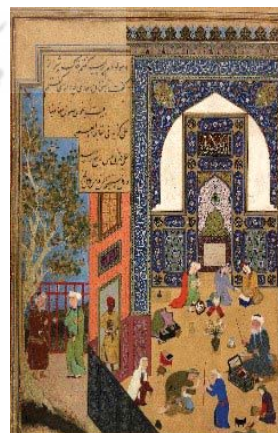
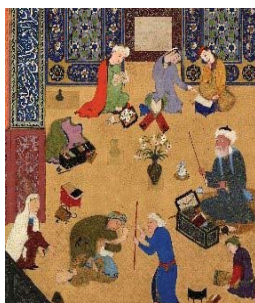
توجه به مسائل علمی و حمایت دربار از علما و دانشمندان، از جنبه‌های رایج فرهنگ ایرانی است که در همه دوره‌ها مورد توجه بوده و بسیاری از مسائل کشور با کمک و مشاوره آنان به انجام می‌رسید. در نگاره‌های دوره‌های مختلف هم این نکته به وضوح پیداست. در نقاشی مانوی (تصویر ۵. ب) عده زیادی در حال

تبریز دوم و مشهد کوچک‌تر و ظریف‌تر و معمولاً با سه‌تار ترسیم شده است.

به‌طور کلی در ترسیم آلات موسیقی هر دوره بدیهی است که نمونه‌های کاربردی و واقعی آن مدنظر نگارگران قرار گیرد. چنانکه در دوره صفویه هم تحت تأثیر موسیقی آذربایجان، علاوه بر موسیقی خراسان، کاسه تنبور کوچک‌تر، دارای سه‌تار، دسته ظریف‌تر و شبیه سه‌تار امروزی بوده است. نواختن نی و تنبور و استفاده از آلات موسیقی که در خوانش اولیه وسایل تفریح و سرگرمی و آلات طرب هستند در خوانش ثانویه و با توجه به انتخاب نی و تار که هر دو در ادبیات و فرهنگ ایرانیان به‌ویژه مردم خراسان و موسیقی مقامی خراسان به وصف حال عاشقان و عارفان

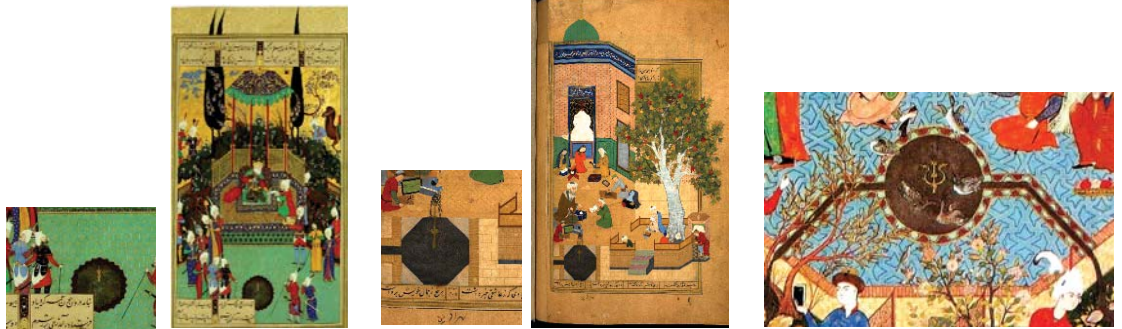


ب. سعدی و جوانان کاشغری، گلستان سعدی، بهزاد، ۸۹۱ ه.ق، مأخذ: Sa'di and the Youth of Kashgar



الف. لیلی و مجنون در مکتب، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۸۳۵ ه.ق، مأخذ: www.metmuseum.org

تصویر ۶. کتاب و کتاب‌خوانی در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف و ب)



ج. فریدون سر تور را دریافت می‌کند، شاهنامه تهماسبی، ۹۳۴-۹۳۹ ه.ق، موزه هنرهای معاصر، مأخذ: ماهوان، ۱۳۹۵: ۷۱

ب. لیلی و مجنون در مکتب، خمسه نظامی، بهزاد، ۹۰۰ ه.ق، مأخذ: www.metmuseum.org

الف. فواره و حوض آب در نگاره منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103

تصویر ۷. فواره و حوض آب در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف، ب و ج)

ترسیم‌شده از جمله تصویر ۷. ب که یک حوض هشت‌ضلعی را با جوی آبی که در زیر تختی منتهی به حوض قرار دارد، نشان می‌دهد. فواره طلایی آن ساده و یک شاخه رسم شده و حوض در حیاط مسجد یا مکتب‌خانه قرار دارد. در برگی از شاهنامه تهماسبی (تصویر ۷. ج)، حوض زیبایی دایره‌ای با دالبرهای ظریف دورتادور آن و فواره طلایی یک شاخه در وسط باغی زیبا ترسیم‌شده که آلاچیق شاه در مقابل آن قرار دارد و جوی آبی به آن متصل نیست. در مقابل عمارت و تخت سلطان، حوض هشت‌ضلعی آب با فواره طلایی سه‌شاخه و جوی آبی که به آن متصل است و دو مرغابی در آن شنا می‌کنند، تصویر شده است. حوض این نگاره بسیار به حوض نگاره منتخب (تصویر ۸. الف) شباهت دارد. چنانکه در خوانش اولیه گفته شد، ایرانیان برای زیبایی و طراوت بخشیدن به فضا، در مکان و باغ‌های خود از حوض آب و فواره استفاده می‌کردند که با توجه به پیش‌متن‌های احتمالی تصویری به تدریج شکل چندضلعی حوض و فواره طلایی سه‌شاخه و جویی که به حوض متصل است و مرغابی‌هایی که در آن شنا می‌کنند، به تکمیل این تصویر کمک کرده و سرانجام شبیه نگاره منتخب و در معنایی ثانویه احترام و ارزشی که ایرانیان برای آب قائل‌اند را نشان می‌دهد. چنانکه در نگاره منتخب یک سیستم پیشرفته لوله‌کشی به‌منظور جریان آب از هر دو طرف در جوی‌ها را می‌توان مشاهده کرد. ضمن اینکه بحث از اندرز پدر به پسر در شناخت عشق زلال و پاک از عشق ظاهری در جریان است و این خود تأکیدی است بر زلالی عشق.

۵. **زین و یراق اسب:** ایرانیان از دیرباز برای اسب اهمیت بسیاری قائل بوده و تزئینات زین و یراق اسب از جمله آثار هنری به‌جامانده از تمدن‌های مختلف ایران مانند لرستان است که در مفرغینه‌های آن این توجه ویژه به اسب دیده

نوشتن هستند. همچنین خواندن برگی از یک نسخه یا نامه نیز در نگاره‌ای از جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر کارخان دوره سلجوقی دیده می‌شود (تصویر ۶. ج). در نگاره‌های «لیلی و مجنون در مکتب» از خمسه نظامی نیز در مکاتب مختلف به اهمیت کتاب و کتاب‌خوانی در فرهنگ ایرانیان اشاره شده است (تصویر ۶. الف و ۶. ب). در همه این پیش‌متن‌های احتمالی تصویری، به کتاب و کتاب‌خوانی به‌عنوان فرهنگ دیرینه ایرانیان اشاره شده و کتاب به‌صورت مستطیل کوچک ساده‌ای بر دست یا رحل مقابل خواننده ترسیم‌شده است (تصویر ۶. الف). علاوه بر محتوای علمی و استفاده دانشمندان از کتاب و مشورت با آنان، تأکید بر مکتب‌خانه و شکل‌گیری عشقی آگاهانه که در نهایت به عشق الهی پیوند می‌خورد، شعر شاعرانی چون سعدی، حافظ و جامی که از عرفا و علمای عصر خویش به شمار می‌آیند، خواندن شعر را با حالات عارفانه و عاشقانه پیوند داده و در فرهنگ عامه بین شعر خواندن و عاشق شدن تناسبی شکل گرفته است.

بنابراین در خوانش ثانویه متن، جوانی که در فضایی زیبا در کنار درخت شکوفه‌ای با جامی در دست به خواندن کتابی مشغول است و در مقابل او فردی شاخه گلی در دست نشسته، تأکید بر معنای عشق را می‌توان دریافت. به‌علاوه اینکه شاهزاده ابراهیم میرزا، حاکم مشهد در این دوره، خود اهل کتاب و صاحب دیوان اشعار بوده است؛ بنابراین اهل فضل و شاعران در کتابخانه هنری او جایگاه ویژه‌ای داشتند و اشاره به کتاب‌خوانی در این نگاره ممکن است بر اساس همین عادت فرهنگی مرسوم در این عهد باشد.

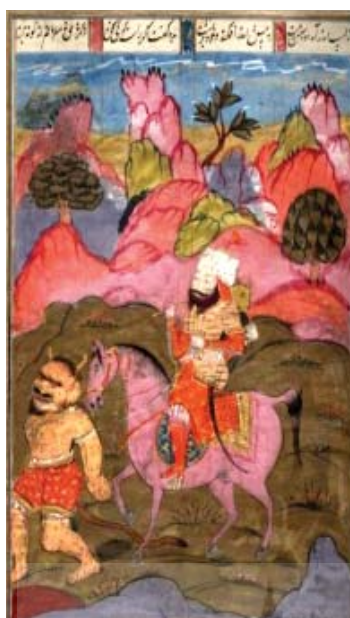
۴. **فواره و حوض آب:**

در نگاره‌های متعددی از مکاتب مختلف، حوض و فواره آب

خوانش بینامتنی سنت‌های فرهنگی عامه در نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا با تأکید بر نگاره «اندرز پدر به فرزند درباره عشق» / ۷۵-۵۵ / ابوالقاسم دادور، زهره طاهر



ج. بر تخت نشستن خسرو پرویز، شاهنامه تهماسبی، ۹۳۴-۹۳۹ ه.ق، موزه متروپولیتن، مأخذ: www.metmuseum.org



ب. اسیر کردن اولاد، شاهنامه، ۸۵۴ ه.ق، موزه سن دیگو آمریکا، مأخذ: ماهوان، ۱۳۹۵: ۷۳



الف. زین و یراق اسب در نگاره منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103



تصویر ۸. زین و یراق اسب در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف، ب و ج)

ختایی بر زمینه لاجورد، بسیار زیبا تصویر شده و علاوه بر معنای ثانویه مبنی بر اهمیت و ارزش اسب نزد ایرانیان به‌ویژه اهالی خراسان، مطابقت با اصول نگارگری رایج در عهد صفوی را نیز نشان می‌دهد که به‌ویژه در نگاره‌های مکتب مشهد به کمال مورد استفاده قرار گرفته‌اند (تصویر ۹. الف).

۶. **باغبانی و تفرج در باغ:** تفرج در باغ از جمله وجوه فرهنگی رایج در میان اقوام مختلف ایرانی است. در خراسان هم توجه به طبیعت و تفرج در باغ‌های سرسبز کلات‌ها در دل کویر، از جمله وجوه فرهنگی مردمان این خطه است. در مرقع گلشن، تفرج سلطان حسین میرزا در باغ تصویر شده است (تصویر ۹. ب). درون و بیرون باغی از نمای بالا نشان داده شده است. جمعی در حال گفتگو، افرادی در حال نواختن موسیقی، عود و تنبور و نی در فضای بیرون و چنگ‌نوازی در اندرونی باغ، عده‌ای در حال رقص و جمعی به تدارک غذا، دو نفر در حال خواندن کتاب یا نامه، زنان در اندرونی به تفرج و پذیرایی و تفریح مشغول‌اند. درختان شکوفه دار و درختان میوه بسیار در باغ و فرش و متکا در گوشه‌ای دیده می‌شود. نمونه دیگری از تفرج در باغی دارای آلاچیق، نرده‌های فلزی، حوض آب و مرغابی است و افرادی به پذیرایی با انار و شراب، باغبانی، گفتگو، نواختن تنبور و دف مشغول‌اند. درخت سرو و شکوفه و جوی‌های آب روان نیز در این برگ از سحر الهلال دیده می‌شود

می‌شود. تزئین زین اسب در نگاره‌های متعددی از مکاتب مختلف نگارگری ایران نیز دیده می‌شود. از جمله تصویر ۸. ب که اسبی صورتی با روانداز طرح دار با حاشیه طلایی و زین منقوش با طرح‌های اسلیمی را نشان می‌دهد. در برگ دیگری از شاهنامه تهماسبی (تصویر ۸. ج)، فرستاده‌ای سوار بر اسب سیاه با زین و روانداز طلایی منقوش به همراه دیگر سپاهیان دارای اسب‌هایی با زین و روانداز تزئین شده به چشم می‌خورد. در برگی از شاهنامه تهماسبی (تصویر ۸. ج)، به‌عنوان یکی از پیش‌متن‌های احتمالی نگاره منتخب، سه اسب قهوه‌ای، سفید و سیاه با زین و روانداز تزئین شده در مقابل محل جلوس پادشاه، رژه می‌روند که با توجه به متن احتمالاً از پیش‌کشی‌ها برای شادباش بر تخت نشستن شاه باشند. طرح اسلیمی بر زمینه لاجورد و گرم و زین طلایی اسب‌ها بسیار زیبا هستند.

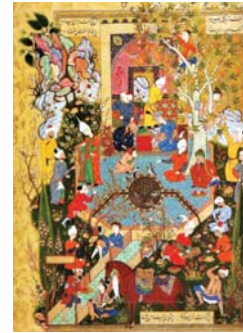
سراینده شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی که اهل طوس خراسان است، ضمن توصیف صحنه‌های مختلف شاهنامه، بسیار از اسب و مهارت افراد در راندن آن و به‌ویژه رخش اسب اسطوره‌ای رستم سخن گفته است. با توجه به پیش‌متن‌های احتمالی تصویری که ارائه شد و اغلب قریب به اتفاق نگاره‌هایی که دارای تصویر اسب هستند، تزئین روانداز و حتی زین طلایی به‌گونه‌ای درخور توجه و احترام در همه این نگاره‌ها مشهود است. در نگاره منتخب ۱ نیز زین طلایی منقوش و روانداز با طرح‌های اسلیمی و



ج. تفرج در باغ، سحر الهلال، ۹۵۱ ه.ق، مجموعه کرکیر میناسیان، کتابخانه کنگره واشنگتن، مأخذ: <https://lccn.loc.gov>



ب. سلطان حسین میرزا در تفرجگاه، مرقع گلشن، ۸۵۴ ه.ق، موزه هنرهای معاصر کاخ گلستان، مأخذ: www.commons.wikimedia.org



الف. باغبانی و تفرج در باغ در نگاره منتخب، Simpson, 1997: 103

تصویر ۹. باغبانی و تفرج در باغ در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف، ب و ج)

نیلوفر و درختان بید مجنون بر بالای صخره‌های رنگینی که گویی در شور و خروشدند، به دریافت معنای عشق از فضای نگاره کمک کرده است.

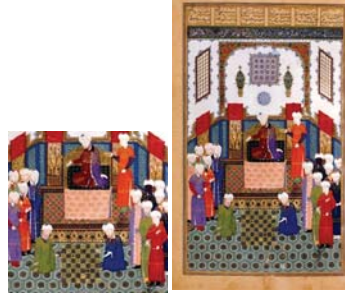
۷. فرش و متکا: فرش‌های رنگارنگ و پر از طرح و نقش سنتی، بخش مهمی از هنر و فرهنگ ایرانی را تشکیل می‌دهند و در بیشتر نگاره‌های ایران از جمله نگاره‌های مکتب مشهد، بسیار به چشم می‌خورند. این طرح‌ها در مکاتب مختلف به شیوه‌های مختلفی ترسیم شده است. در شاهنامه بایسنقری فرش مستطیلی شکل با حاشیه طرح دار لاجورد و گل‌های قرمز لوزی شکل بر حاشیه سبز دیده می‌شود (تصویر ۱۰. ب).

در نگاره شاهنامه تهماسبی فرش شکل چندضلعی اتاق را به خود گرفته و با اسلیمی‌های زیبای طلایی و ختایی‌های آبی بر زمینه لاجورد و نیز حاشیه طلایی با اسلیمی‌های ماری زینت یافته است. همچنین متکاهای زیبا با طرح‌های اسلیمی طلایی بر زمینه لاجورد و دیگری ختایی‌های ظریف

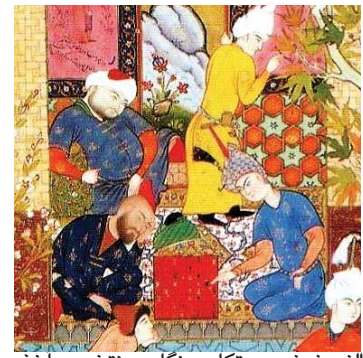
(تصویر ۹. ج). چنانکه از بررسی این پیش‌متن‌های احتمالی تصویری برمی‌آید، موضوع تفرج در باغ بارها مورد توجه نگارگران قرار گرفته و در اغلب آن‌ها هم به موضوعات مشترکی از جمله در نگاره منتخب (تصویر ۹. الف) هم که مورد اشاره گرفت، به چشم می‌خورد مانند درختان سرسبز، به‌ویژه سرو و شکوفه، بنا یا آلاچیق مجلل، حوض، فواره یا جوی آب، افرادی در حال گفتگو، پذیرایی با انار و شراب، نواختن موسیقی با تنبور، دف، نی و عود، افرادی در حال خواندن کتاب یا نامه، باغبانی و تدارک غذا و البته شخصیت اصلی که معمولاً در کنار یاری در زیر سایه آلاچیق یا ایوان اصلی عمارت و یا چادر نشسته و به گفتگو مشغول است. پس این معنی در خوانش ثانویه متن به ذهن متبادر می‌شود که تفرج در باغ با یار و نگار و طرب و نوشیدن و خوردن و بازی و تفریح همراه و عجین است که با موضوع عشق در نگاره منتخب منطبق است. به علاوه ترسیم درخت سرو و شکوفه‌ای که به دور آن تنیده، گل‌های لاله قرمز رنگ، گل



ج. راز گفتن رودابه به مادرش، شاهنامه تهماسبی، ۹۲۴-۹۳۹ ه.ق، موزه هنرهای معاصر تهران، مأخذ: www.fotografia.islamoriente.com



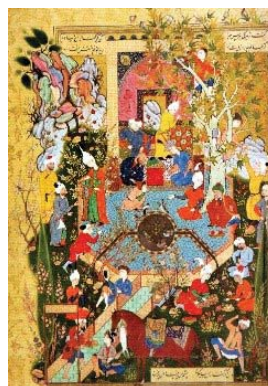
ب. بوزرجمهر استاد بازی شطرنج هندی، شاهنامه بایسنقری، ۸۳۴ ه.ق، مأخذ: www.portal.unesco.org



الف. فرش و متکا در نگاره منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103

تصویر ۱۰. فرش و متکا در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف، ب و ج)

خوانش بینامتنی سنت‌های فرهنگ عامه در نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا با تأکید بر نگاره «اندرز پدر به فرزند دربارۀ عشق» / ۷۵-۵۵ / ابوالقاسم دادور، زهره طاهر



الف. بنای خانه باغ در نگاره منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103



ب. همای و همایون، دیوان خواجه کرمانی، مکتب تبریز، جنید، ۷۹۹ ه.ق، مأخذ: www.commons.wikimedia.org



ج. داستان ضحاک، میرمصور، شاهنامه تهماسبی، ۹۳۴-۹۳۹ ه.ق، موزه متروپولیتن، مأخذ: همان

تصویر ۱۱. بنا در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی آن (الف، ب و ج)

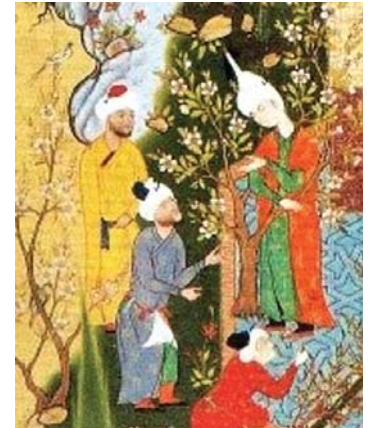
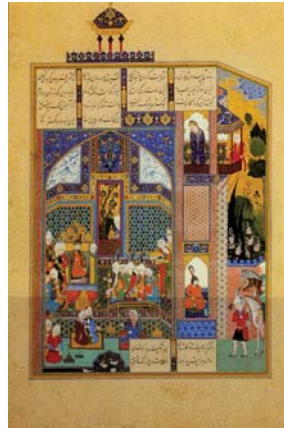
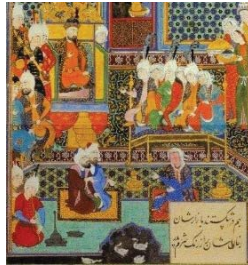
است. میرمصور نیز در نگاره‌ای از شاهنامه تهماسبی، دو بنای متصل به هم از کاخ دوطبقه ضحاک را با ایوان، محوطه، حوض و باغ اطراف بنا به تصویر کشیده است (تصویر ۱۱. ج). در شیوه معماری اصفهانی، پلان‌ها عمدتاً ساده، مربع و یا مستطیل هستند. همچنین نماها نیز ساده و یکدست و عمدتاً بدون برجستگی می‌باشند. تزئینات نماها سراسر با کاشی‌های معرق و هفت‌رنگ و همچنین انواع گچ‌بری‌ها و آرایه‌های آجری معلقی تزئین شده‌اند. چنانکه در بنای ساده خانه باغ در نگار پلان منتخب (تصویر ۱۱. الف) دیده می‌شود، ایوان، طاق تیزه دار، دیوارنگاره درون عمارت، کاشی‌رنگی‌های دارای طرح اسلیمی و ختایی زیبا، محوطه موزاییک شده طرح دار آبی‌رنگ، حوض، فواره، جوی آب، سر در، پرچین‌های گره‌دار و فضای سبز اطراف دیده می‌شود.

بنابراین پیش‌متن‌های احتمالی و ظرافت و شکوهی که در تزئینات اسلیمی، ختایی و گره در بنای نگاره‌ها دیده می‌شود، چه آنجا که کاخی به تصویر کشیده شده چه یک خانه باغ ساده، مهارت و استادکاری معماران ایرانی و توجه ویژه به زیبایی بنا مطابق آنچه در عهد صفوی و در سبک اصفهانی رایج بوده، قابل مشاهده است. به علاوه کاربرد اصول نگارگری رایج در عهد شاهزاده ابراهیم میرزای صفوی در تزئین بنای عمارت، اسلیمی، ختایی و گره، به خوبی در این بخش از نگاره نیز دیده می‌شود.

۹. پوشاک (لباس مردان میانسال، جوان و نوجوان): بررسی پوشاک مردان در نگاره‌های متعددی که تاکنون به عنوان پیش‌متن‌های احتمالی مطرح شده‌اند، نشان می‌دهد که در مکاتب شیراز، هرات و تبریز، مردان زیر جامه، رو جامه یا عیابی بلند، شلوار گشاد، دستاری اغلب سفید با کلاهی رنگی در میانه آن و کفشی ساده پوشیده‌اند؛ اما نوع

بر زمینه ارغوانی در نگاره ترسیم شده است (تصویر ۱۰. ج)؛ بنابراین در نگاره‌های مکاتب مختلف هم به صورت‌های مختلف ترسیم شده است. در نگاره منتخب (تصویر ۱۰. الف)، شطرنج‌بازان روی فرش مستطیل شکل با حاشیه طلایی و گل‌های ختایی رنگارنگ و متن سفید با اسلیمی‌های ماری درشت و آبی‌رنگ ترسیم شده‌اند. تفاوت این فرش با نگاره‌های پیشین در ترنج طلایی وسط قالی است که خود دارای گل‌های ختایی ریز قرمز و اسلیمی‌های آبی است. متکای زبردست تماشاچی هم سبزرنگ و پوشیده از گل‌های ختایی است. نقش و طرح قالی‌های ایران، اسلیمی‌ها و ختایی‌ها همه یادآور باغ بهشت هستند که جایگاه جاودانه عاشقان و عارفان واقعی است؛ بنابراین خوانش ثانویه این متن، معنای عمیق طرح و نقش فرش‌ها و متکاها که در قرآن و در توصیف بهشتیان آمده^۸ را به ذهن متبادر می‌سازد. به علاوه نقوش اسلیمی، ختایی و نیلوفر که خود کاربرد اصول نگارگری عهد صفوی در این نگاره را نشان می‌دهد.

۸. مکان (بنای عمارت): معماری ایرانی، از جمله انواع معماری با شکوه است که به ویژه در دوره اسلامی و در سبک‌های مختلف جنبه‌های متفاوتی در آن ظهور یافته و در دوره صفویه، در محدوده زمانی پژوهش حاضر از اصول سبک اصفهانی، پیروی می‌کرد. قبل از این زمان نیز، شیوه آذری رایج بود. در تصویر ۱۱. ب از مکتب تبریز، جنید نمای کاملی از کاخ چهار طبقه همای را شامل بیرونی و درب عمارت، فضای درونی و باغ و محوطه و طبقات مختلف را نشان داده است. او برای تزئین نما نیز از کاشی لاجوردی لوزی و دالبری شکل با دور گیر سفید استفاده کرده و در پنجره‌ها را با گره و به رنگ قهوه‌ای و کتیبه‌ها را با رنگ طلایی و مزین به اسلیمی ترسیم کرده است. اتاق همای زلالی رنگ و در طبقه آخر هم گنبدی چندضلعی نمایان



ب. ازدواج فریدون، شاهنامه تهماسبی، ۹۳۴-۹۳۹ ه.ق. موزه هنرهای معاصر تهران، مأخذ: www.fotografia.islamoriente.com

الف. پوشاک در نگاره منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103

تصویر ۱۲. پوشاک در متن و پیش متن‌های تصویری احتمالی آن (الف و ب)

کاربرد رنگ‌ها متناسب با طبیعت گرم و خشک خراسان و نژاد و قومیت افراد، به خوبی قابل مشاهده است.

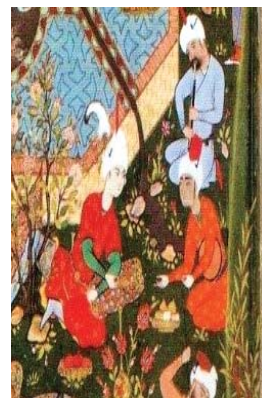
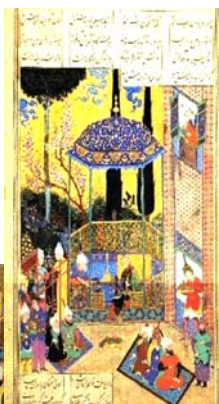
۱۰. **خوراک و پذیرایی:** پذیرایی و مهمان‌نوازی از جمله رسوم فرهنگی ایرانیان است که در جشن‌ها و گردهمایی‌ها مرسوم و متداول بوده و در پیش‌متن‌های احتمالی تصویری که تاکنون بررسی کردیم، نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود (تصاویر ۱۳. ب و ۱۳. ج) این پذیرایی معمولاً در ظروف، جام‌ها و سینی‌های زرین و ترکیبی از انواع میوه به‌ویژه انار، سیب و نوشیدنی است. جام می و پیاله زرین، چنان‌که در تصویر هم دیده می‌شود، همراه ظرف انار در پذیرایی از فرزند گم‌شده سام که اکنون نزد پدر بازگشته و شادی سام از این واقعه و در تصویر هم‌نشینی یار و نگار، ترسیم کامیابی و وقت خوش در ادبیات و فرهنگ ایرانی اسلامی است که مبتنی بر باورهای عارفان در اشعار و غزل‌های بی‌شمار از آن یادشده و در نگاره‌های بسیاری هم به تصویر کشیده شده است.

در نگاره منتخب پذیرایی با انار و جام‌های نوشیدنی که هر دو در فرهنگ ایرانی از نعمات بهشتی هستند، صورت گرفته اما باید توجه داشت که جام می، گویی پشت بوتۀ گلی پنهان‌شده و یا جوانی که در حال خواندن کتاب است، آن را به شکلی در دست دارد که به‌وضوح نمایان نیست (تصویر ۱۳. الف). این احتیاط در ترسیم جام می در مقایسه با پیش‌متن‌های احتمالی تصویری که آورده شده، احتمالاً به توبۀ شاه‌تهماسب و فضای مذهبی و سیاسی دورۀ او بازمی‌گردد که البته در کارگاه هنری شاهزاده ابراهیم میرزا هم برای احتیاط رعایت شده است.

۱۱. **یادگار نویسی:** یادگار نویسی و یادگار نگاری یکی از پدیده‌های مهم فرهنگ انسانی در طول تاریخ است که قدمتی همپای زندگی بشری دارد. می‌توان گفت از زمانی

سرپوش و رنگ و طرح جامه‌ها با توجه به سن افراد، موقعیت اجتماعی و گاه نژادشان متفاوت است. در نگاره‌های مکاتب تبریز و مشهد و در عهد صفوی، کلاه قزلباش به نشانه پذیرش مذهب تشیع و تاج جقه دار برای شخص سلطان استفاده شده است. طرح پارچه‌ها منطبق با پارچه‌های رایج آن دوره و دارای گل‌های ختایی و گاه پرندگان کوچک تیره بر زمینه روشن‌تر و یا برعکس است (تصویر ۱۲. ب). در این نگاره نیز، مردان، پسران جوان و نوجوان همگی دارای زیر جامه، بالاپوش بلند، شلوار و کفشی ساده و معمولاً سیاه‌رنگ هستند؛ اما سرپوش افراد با توجه به سن و موقعیت اجتماعی آن‌ها متفاوت است. در نگاره‌های مکتب مشهد نیز کلاه قزلباش صفویه و کلاه گرد و دستار سپید استفاده شده است. تفاوت نگاره منتخب (تصویر ۱۲. الف) و نگاره‌هایی که تاکنون به‌عنوان پیش‌متن‌های احتمالی تصویری این نگاره مورد بررسی قرار گرفتند، در این است که رنگ‌های روشن، شاد و متنوع‌تری برای لباس افراد استفاده شده است؛ انواع رنگ‌های گرم، خاکستری، قهوه‌ای و آبی هم در گزینه‌های رنگی نگارگر جای گرفته و تنوع و پویایی بیشتری به صحنه بخشیده است. چنانکه در طبیعت گرم و خشک خراسان هم افراد از پوشیدن رنگ‌های تیره اجتناب و از رنگ‌های روشن‌تر لباس استفاده می‌کنند. در عین حال نگارگر برای نشان دادن پختگی و تجربه پدر از رنگ قهوه‌ای پررنگ برای لباس او و برای نمایش شور جوانی از رنگ قرمز برای لباس پسر استفاده کرده است؛ بنابراین با بررسی پیش‌متن‌های احتمالی و در خوانشی عمیق‌تر، رسوم لباس پوشیدن، پارچه و طرح‌های رایج آن دوره، اهمیت لباس در تمایز جایگاه اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی افراد به‌ویژه سرپوش، استفاده از کلاه قزلباش به‌عنوان نمادی از پذیرش مذهب تشیع در عهد صفوی و

خوانش بینامتنی سنت‌های فرهنگ عامه در نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا با تأکید بر نگاره «ندرز پدر به فرزند دربارۀ عشق» / ۷۵-۵۵ / ابوالقاسم دادور، زهره طاهر



ج. بهرام‌برگن‌بفریروزه‌برگی از خمسه نظامی، ۹۶۰ هـ. ق. کتابخانه بادلیان آکسفورد، مأخذ: www.digital.bodleian.ox.ac.uk

الف. خوراک و پذیرایی در نگاره منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103
ب. بازگشتن زال به نزد سام، شاهنامهٔ تهماسبی، مکتب تبریز، ۹۳۴-۹۳۹ هـ. ق. موزه متروپولیتن، مأخذ: ؟؟؟

تصویر ۱۳. خوراک و پذیرایی در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی (الف، ب و ج)

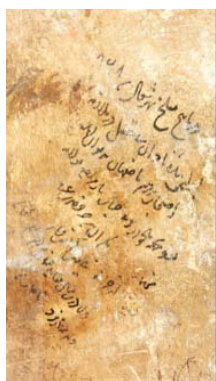
غارهای تاریخی ایران، پیش‌متن‌های تصویری برای آن در نگاره‌ها نیافتیم اما در نگارهٔ منتخب، فردی مشغول نوشتن یادگاری بر دیوار درونی خانه باغ است. روی دیوار و بر زمینهٔ صورتی آن علاوه بر اشعار عاشقانه و نوشته‌های متعدد تصویر نوجوانی ترسیم‌شده که در مقابل بوته گلی ایستاده و شاخه گلی در دست دارد (تصویر ۱۴، الف). این نیز تأکید دیگری بر مفهوم عشق است که به‌وضوح با تصویر یار و اشعار عاشقانه بر زمینهٔ صورتی دیوار، در خوانش ثانویه نگاره، قابل مشاهده است.

که انسان غارنشین نقش دست‌های خود را بر دیواره غار گذاشت، سنت یادگار نویسی آغاز شده است (تصویر ۱۴، ب). میل به بقا و جاودانگی، ابراز احساسات و عواطف، دعا و طلب پیروزی و ذوق خلاق انسانی از جمله انگیزه‌های بشر برای ترسیم اثر یا نوشتن یادگاری بر دیوار غارها یا اماکن تاریخی محسوب می‌شود. از دوره‌های مختلف و بیشتر در مکان‌های مهم تاریخی و درجایی که مورد رذیت همگان واقع شود، یادگارهایی به‌جامانده از جمله نوشته‌ای در مسجد جامع اصفهان که مربوط به ۸۶۸ هـ. ق است (تصویر ۱۴، ج)؛ اما انعکاس این رسم رایج فرهنگ‌عامه در نگارگری، کمتر صورت گرفته است.

خوانش کلامی پیکره مطالعاتی

خوانش کلامی نگارهٔ منتخب، بر اساس بررسی پیش‌متن‌های

بنابراین جز دیوارنگاره‌های غارهای لرستان و دیگر



ج. یادگاری بر دیوار مسجد جامع اصفهان، ۸۶۸ هـ. ق. مأخذ: www.cdn.mashregnews.ir



ب. آثار دست انسان، غار شووه، فرانسه، مأخذ: www.encrypted-gstatic.com.tbn



الف. یادگار نویسی در نگارهٔ منتخب، مأخذ: Simpson, 1997: 103

تصویر ۱۴. یادگار نویسی در متن و پیش‌متن‌های تصویری احتمالی (الف، ب و ج)

از این جنبه نیز قابل خوانش هستند. در جدول ۱ به وجود پیش‌متن‌های احتمالی درون و برون فرهنگی که احتمالاً در تصویرسازی و ترسیم وجوه فرهنگی آن، مورداستفاده قرار گرفته‌اند، اشاره شده است. به‌عنوان مثال، بازی شطرنج در این نگاره شباهت بسیاری به نمونه تصویری هندی آن دارد. همچنین آلات موسیقی، کتاب و زین و یراق اسب در نقاشی مانویان می‌توانند به‌عنوان پیش‌فرض‌های برون فرهنگی احتمالی هر یک از وجوه مطرح‌شده در نظر گرفته شوند؛ اما بی‌شک همه وجوه فرهنگی تعیین‌شده در خوانش اولیه متن، دارای پیش‌فرض‌های احتمالی تصویری درون فرهنگی در خوانش ثانویه هستند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با تأمل در همه موارد بیان‌شده در خوانش‌های تصویری، کلامی و بینا فرهنگی نگاره و در خوانش ثانویه نگاره می‌توان گفت در این نگاره با موضوع «عشق»، مضامین بسیاری ناظر بر این موضوع دیده می‌شوند چون رنگ قرمز صفحه شطرنج فرد را چنان به تفکر وامی‌دارد که کلاه از سر برمی‌دارد، انار و شراب، شعرخوانی و نواختن نی و تنبور، بی‌قراری پرندگان که کودکان جوجه‌های‌شان را از لانه برمی‌دارند و تجمع آن‌ها و حالت پریشانی و تشویش عاشقانه مادران آن‌ها نیز به‌نوعی همین مضمون را به ذهن متبادر می‌سازد. خواندن کتاب، احتمالاً شعر، گرفتن شاخه گلی در دست، حکایت عشق و افرادی که با دقت بدان گوش سپرده‌اند، فضای پر از گل و شکوفه و مصفای باغ، درخت سرو و شکوفه‌ای که همچون دو دل‌داده در هم پیچیده‌اند، آبی که در حوض بهار خواب در جریان است و بنایی با تزئینات اسلامی و ختایی کاشی بر طاق و ایوانش، فرش منقش به طرح‌های اسلامی و ختایی زیبا و در نهایت فردی که مشغول خاطره‌نویسی است، همه و همه به تلطیف فضای عاشقانه نگاره کمک کرده است. رنگ‌های روشن و شادی که در نگاره به‌کاررفته از جمله رنگ قرمز لباس پسر جوان و رنگ قهوه‌ای لباس پدر هم متناسب با موضوع و شخصیت افراد است. کار و تلاش هم راهی است که برخی عاشقان خاطر خود را به آن مشغول می‌سازند از جمله باغبانی که در نگاره می‌بینیم سخت مشغول کار و بی‌توجه به اطرافش است. رسومی چون پذیرایی و نقل حکایت و گفتگو نیز در کنار خواندن کتاب و بازی شطرنج بزرگان و کودکان از جمله وجوه فرهنگی نمایان در نگاره است. ضمن اینکه همواره موضوع عشق، چنان بحث‌انگیز و پرتفصیل است که نگارگر این موضوع را در قالب افرادی که در گوشه و کنار نگاره به صحبت و بحث عمیق مشغول‌اند، نمایانده و در پیچ‌وتاب درختان بر قله کوه، شور صخره‌های رنگارنگ، چنار بزرگ کهنسال نگاره با برگ‌های گسترده و بازیگوشی مرغابی‌های درون حوض، بر آن تأکید ورزیده است. علاوه بر این با انتخاب اشعار عاشقانه بر دیوار یادگاری‌ها و مضامین اصطلاحاتی

احتمالی فرهنگی نوشته‌های موجود در متن خواهد بود. در این نگاره دو کتیبه در بالا و یکی در پایین و نوشته‌هایی نیز بر دیوار عمارت نگاشته شده است.

۱. کتیبه‌های نگاره: بر کتیبه بالایی نگاره می‌خوانیم:
گفت از هر یکی بپرس جدا

کز جمال چه ره زدست ترا

آن یکی گفت از آن رخ ساده

رخ به خون منقش افتاده

و در پایین نگاره آمده است:

وان دگر گفت از آن لب میگون

چشم من پر نمست و دل پر خون

این ابیات بخشی از حکایت جامی است که نگاره برای آن، کشیده شده و اصطلاح «ره زدن» در عبارت «چه ره زدست ترا» کنایه از گمراه کردن از راه راست و به خود مشغول داشتن است و عبارت «رخ به خون منقش افتادن» از جمله تمثیل‌هایی برای نشان دادن شدت درد و سختی واقعه است. در اصطلاح «لب میگون» سرخی لب یار به رنگ سرخ شراب تشبیه شده است. «چشم پر نم» و «دل پر خون» به نشانه شدت درد و سوزناکی واقعه، هنوز هم بسیار در ادبیات و محاوره روزمره ایرانیان کاربرد دارد.

۲. یادگاری‌های دیوار عمارت

در کنار تصویر یاری جوان، ابیات و نوشته‌هایی نیز بر دیوار عمارت دیده می‌شود؛ مانند ابیات زیر:

نوشتم بر در و دیوار هر منزل غم عشقت

که شاید بگذری روزی و خوانی شرح حال من

و بیت زیر:

با دل خود صورت او در مقابل داشتم

در مقابل صورتی داشتم که در دل داشتم

بیت اول بسیار مرسوم است و هنوز هم در میان یادگاری‌های مکان‌های مختلف بسیار دیده می‌شود. معنای ساده و روان بیت، آوارگی عاشق را که پیوسته و در همه حال و هر مکانی، به یاد اوست را نشان می‌دهد و آرزوی وی مبنی بر اینکه شاید یار روزی از کنار آن مکان بگذرد و نوشته عاشقانه او را در رسای عشقتش بخواند و بر غم و حال زار عاشق آگاه شود. دومین بیت به وحدت عاشق و معشوق ناظر است. دل و صورت در دو مصرع تأکیدی بر این نکته است که یاد معشوق پیوسته با عاشق همراه است و این تقابل دل و صورت در نهان و آشکار او را متحد معشوق گردانده، گویی وحدتی میان آن دو حاصل شده است.

خوانش بینا فرهنگی پیکره مطالعاتی

در خوانش تصویری و کلامی نگاره منتخب، پیش‌متن‌های احتمالی فرهنگی تصویری و کلامی موردبررسی قرار گرفت. حال اینکه برخی از این پیش‌متن‌ها به‌نوعی از پیش‌متن‌های درون فرهنگی و برون فرهنگی بهره برده و

خوانش بینامتنی سنت‌های فرهنگی عامه در نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا با تأکید بر نگاره «اندرز پدر به فرزند درباره عشق» / ۷۵-۵۵ / ابوالقاسم دادور، زهره طاهر

جدول ۱. خوانش بینا فرهنگی نگاره منتخب، مأخذ: نگارندگان

وجوه فرهنگی بینامتنیت حتمی در خوانش اولیه												نگاره منتخب	
بازی کودکان	یادگار نویسی	خوراک و پذیرایی	پوشاک	مکان	فرش و متکا	باغبانی و تفرج در باغ	زین و یراق اسب	فواره و حوض آب	کتاب و کتابخوانی	نواختن موسیقی	بازی شطرنج		
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		
							✓		✓	✓	✓	برون فرهنگی	

است. حضور کودکان و ترسیم بازی و شیطنت آن‌ها و یادگار نویسی نیز از جمله وجوه فرهنگی است که کمتر در نگاره‌های مکاتب پیشین مورد توجه قرار گرفته و در این نگاره به آن اشاره شده است. همچنین برخی از وجوه فرهنگی چون شطرنج، نواختن ساز، تزئین زین و یراق اسب و کتاب و کتابخوانی، پیش‌متن‌های احتمالی برون فرهنگی دارند که در خوانش تصویری به آن‌ها اشاره شده است و همه وجوه فرهنگی مورد اشاره در خوانش این نگاره، پیش‌متن‌های درون فرهنگی بسیاری در فرهنگ، ادبیات و هنر دوره‌های قبل ایران داشته و حتی در حال حاضر نیز در زمره رسوم فرهنگی مورد توجه و مرسوم هستند.

چون «رخ به خون منقش افتادن»، «لب میگون»، «چشم پر نم» و «دل پر خون» به نشانه جمال معشوق و شدت سوز عاشق، بر تأثیر محتوای نگاره افزوده است. به علاوه بسیاری از رسوم فرهنگی عهد شاهزاده ابراهیم میرزای صفوی از جمله قبول مذهب تشیع و پوشیدن کلاه قزلباش، توبه شاه‌تهماسب و احتیاط در تصویر جام شراب، اصول نگارگری رایج در این دوره چون اسلیمی، ختایی، نیلوفر، واق و گره در تزئینات کاشی‌کاری و پنجره‌های بنا، پارچه لباس‌ها، فرش و متکا و زین و یراق اسب دیده می‌شود. علاقه و حمایت شاهزاده ابراهیم میرزا از اهل فضل، هنرمندان و شاعران نیز در شطرنج‌بازی، نواختن موسیقی و تصویر کتابخوانی در نگاره قابل ردیت

نتیجه

در پژوهش حاضر، با خوانش بینامتنی نگاره «اندرز پدر به فرزند درباره عشق» از هفت‌اورنگ ابراهیم میرزا مبتنی بر نظریات رولان بارت و مایکل ریفاتر، تلاش شد به دو پرسش اصلی پاسخ داده شود:

۱. در خوانش اولیه نگاره منتخب، چه وجوهی از فرهنگ عامه و روش زندگی مردمان آن روزگار مشهود است؟
۲. پیش‌متن‌های تصویری احتمالی بینا فرهنگی وجوه فرهنگ عامه منعکس در این نگاره چیست؟ در پاسخ به پرسش اول به نظر می‌رسد می‌توان گفت بسیاری از سنت‌های فرهنگ عامه مردم خراسان در عصر ابراهیم میرزای صفوی در این نگاره نمود یافته است؛ از جمله پذیرش مذهب تشیع که با پوشیدن کلاه قزلباش در نگاره نشان داده شده، جامه مرسوم مردان و زنان از جمله سربند سفید زنان و عمامه سفید مردان که به مقتضای هوای گرم و خشک خراسان استفاده می‌شد، آداب و رسوم همچون پذیرایی و مهمان‌نوازی، موسیقی مقامی، توجه به کتاب و کتابخوانی، تفرج در باغ و کلاته‌های

اطراف شهر، بازی و تفریح در فضای سرسبز یک باغ، نقش و اهمیت آب و توجه به اندرز بزرگان و افراد مجرب که در کنار رعایت ملاحظات مذهبی در نگارگری و توجه به اصول نگارگری رایج در این دوره مانند اسلیمی، ختایی، نیلوفر، واق و گرہ در تزئینات اجزای نگاره در آن به چشم می‌خورد. در پاسخ به پرسش دوم، بررسی پیش‌متن‌های درون و برون فرهنگی وجوه مورداشاره در نگاره منتخب نشان می‌دهد که پیش‌متن‌های تصویری و کلامی بسیاری از این وجوه باوجود تفاوت‌هایی در صورت و شکل ظاهری، درگذشته فرهنگی ایرانیان مسبق به سابقه بوده و به بیان دیگر بسیاری از این وجوه فرهنگ‌عامه دارای پیش‌متن‌های احتمالی تصویری و کلامی درون فرهنگی هستند. به‌طورکلی خوانش بینامتنی نگاره منتخب نشان می‌دهد عناصر فرهنگی بسیاری از جمله سنت‌های مادی، رفتاری و گفتاری در این نگاره مکتب مشهد اغلب مبتنی بر پیش‌متن‌های تصویری احتمالی درون فرهنگی ایرانی به‌ویژه خراسان بزرگ در عهد ابراهیم میرزای صفوی و در کتابخانه این شاهزاده هنرپرور منعکس شده است که وجوه بسیاری از فرهنگ‌عامه و زندگی روزمره مردمان آن دوره را آشکار می‌سازد.

منابع و مآخذ

- آلن، گراهام. (۱۳۸۰). بینامتنیت، مترجم: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، شکیبیا و فرخ‌فر، فرزانه. (۱۳۹۹). مکتب کتاب‌آرایی مشهد و نقش آن در توسعه نگارگری عصر صفوی، پژوهشنامه خراسان بزرگ، ش ۴۰، ۳۸-۱۹.
- اکبری تیرابادی (۱۳۸۹)، نگاهی به نقوش آلات موسیقی دوره ساسانیان و تداوم آن‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: غلامعلی حاتم، دانشکده هنرهای کاربردی، تهران: دانشگاه هنر.
- حسن‌زاده، شهریار. (۱۳۹۳). نگاهی به ادبیات عامیانه در عصر صفوی. بهارستان سخن، ش ۲۶، ۲۴۸-۲۲۱.
- رشیدیان، هما، رهبر، ایلناز. (۱۳۹۹). مطالعه‌ی تطبیقی سازهای زهی در نگاره‌های دوران صفوی و گورکانی. هنرهای نمایشی و موسیقی (هنرهای زیبا)، ۲۵(۱)، ۶۲-۵۱.
- سیمپسون، ماریانا شرو. (۱۳۸۲). شعر و نقاشی ایرانی، حمایت از هنر ایران. شاهکارهای نقاشی از قرن دهم. مترجم: عبدالعلی براتی و فرزاد کیانی، ویرایش: آیدین آغداشلو. تهران: نسیم دانش.
- طاهر، زهره، فرخ‌فر، فرزانه، فدوی، صبا. (۱۴۰۲). بازتاب باورهای دینی و فرهنگی عصر صفوی در نمادپردازی نگاره‌های نسخه هفت‌اورنگ ابراهیم‌میرزا (با تأکید بر دو داستان «یوسف و زلیخا» و «لیلی و مجنون»). فصلنامه نگره، ش ۶۷، (انتشار آنلاین از تاریخ ۲۲ فروردین ۱۴۰۱).
- علی زاده خیاط، ناصر و رضانی، مهدی. (۱۳۹۷). مضمون‌آفرینی و نمادپردازی از شطرنج در متون منظوم عرفانی. عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، ۱۵(۵۷)، ۶۳-۴۱.
- کنبای، شیلا. (۱۳۷۷). دوازده رخ، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۱). فرهنگ‌عامه و ادبیات عامیانه فارسی. کتاب ماه هنر، ش ۳۹ و ۴۰، ۱-۲۴.
- فرخ‌فر، فرزانه، طاهر، زهره. (۱۳۹۹). واکاوی فولکلور مادی رنگ بر بستر فرهنگ عصر صفوی (مطالعه موردی: مکتب کتاب‌آرایی مشهد، نگاره‌های هفت‌اورنگ ابراهیم‌میرزا، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ش ۱۲، دوره ۲، ۱۹۸-۱۷۳).
- ماه‌وان، فاطمه. (۱۳۹۵). شاهنامه نگاری: گذر از متن به تصویر، تهران: معین.
- مایلی برجلویی، نیلوفر، علیمحمدی اردکانی، جواد. (۱۳۹۸). تحلیل بینامتنی متن و نگاره‌های نسخه خطی ۹۹۶ ه. ق دیوان جیبی اکبر شاه. فصلنامه نگره، ش ۵۱، ۲۱-۵.
- محبی، بهزاد. حسنخانی‌قوام، فریدون. امانی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی رابطه جایگاه اجتماعی و انتخاب

رنگ البسه در نگاره‌های دوره صفویه. هنرهای صناعی اسلامی، ش ۳، ۱۲۷-۱۳۹.
نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها، تهران: سخن.
هدایت، صادق. (۱۳۸۱). فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: نشر چشمه.

Kristeva, J. (1984), *Revolution in poetic language*, Margaret Waller, Leon S. Roudiez, New York: Columbia University Press.

Riffaterre, Michael (1978) *Semiotics of Poetry*. 1st.ed. Bloomington· Indiana University Press.

Simpson, Mariana Sherve. (1998). *Discovering Shaykh-Muhammad in the Freer Jami*. Arts Orientalise, No. 28, 104-114.

Simpson, Mariana Sherve. (1997). *Sultan Ibrahim Mirza's Haft Awrang: A Princely Manuscript from Sixteenth-Century Iran*, New Haven & London: Yale University Press.

URL 1: <http://portal.unesco.org/ci/photos/showgallery.php/cat/793>(acsess date: 2022/4/21)

URL 2: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/140009555>(acsess date: 2022/4/21)

URL 3: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/140009555>(acsess date: 2022/4/21)

URL 4: <https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Manicheans.jpg>(acsess date: 2022/4/21)

URL 5: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d3/Malik-Shah_I.jpg(acsess date: 2022/4/21)

URL 6: https://www.metmuseum.org/toah/ho/08/nc/hob_1994.232.htm(acsess date: 2022/4/21)

URL 7: *Sa'di and the Youth of Kashgar*(acsess date: 2022/4/21)

URL 8: http://www.bl.uk/manuscripts/FullDisplay.aspx?ref=Or_6810(acsess date: 2022/4/21)

URL9:https://www.metmuseum.org/art/metpublications/A_Kings_Book_of_Kings_The_Shah_nameh_of_Shah_Tahmasp(acsess date: 2022/4/21)

URL 10: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Behzad_soltan_hossein_right.jpg(acsess date: 2022/4/21)

URL 11: <https://lcn.loc.gov/2017498325> (acsess date: 2022/4/21)

URL 12: <http://portal.unesco.org/ci/photos/showgallery.php/cat/793>(acsess date: 2022/4/21)

URL13:https://fotografia.islamorient.com/sites/default/files/image_field/Obras_Maestras_de_la_Miniatura_Persatomado_del_Shahname_del_gran_poeta_iran%C3%AD%2C_Ferdowsi%2C_Edici%C3%B3n_Shah_Tahmasbi_24_



2.jpg(acesse date: 2022/4/21)

URL 14: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Junaid_001.jpg(acesse date: 2022/4/21)

URL 15: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Mir_Musavvir_002.jpg (acesse date: 2022/4/21)

URL16:https://fotografia.islamoriente.com/sites/default/files/image_field/Obras_Maestras_de_la_Miniatura_Persatomado_del_Shahname_del_gran_poeta_iran%C3%AD%2C_Ferdowsi%2C_Edici%C3%B3n_Shah_Tahmasbi_7_3.jpg(acesse date: 2022/4/21)

URL17:https://www.metmuseum.org/art/metpublications/A_Kings_Book_of_Kings_The_Shah_nameh_of_Shah_Tahmasp(acesse date: 2022/4/21)

URL 18: <https://digital.bodleian.ox.ac.uk/objects/7d185003-d35f-4381-ae88-a6b12c6e6b94/>(acesse date: 2022/4/21)

URL 19: <https://encrypted-tbn0.gstatic.com/images?q=tbn:ANd9GcQM5AHgzFnuu8Tqm2oiChALu9ld87elMuo7wQ&usqp=CAU>(acesse date: 2022/4/21)

URL 20: https://cdn.mashreghnews.ir/d/old/files/fa/news/1390/8/25/109869_769.jpg(acesse date: 2022/4/21)

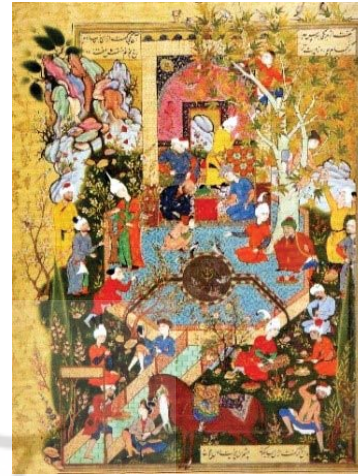
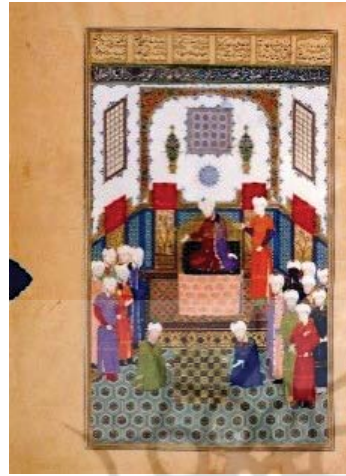


Intertextual Reading of Popular Culture Traditions in Ibrahim Mirza's Haft Awrang Paintings Emphasizing the Painting «Father's Advice to His Son about Love»

Abolghasem Dadvar, Full Professor, Art Research Department, Faculty of Arts, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Zohreh Taher, PhD Student of Art Research, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Received: 2023/05/01 Accepted: 2023/06/17



Introduction: Culture, the common way of life, thought and action of people in a society and popular culture, includes customs and beliefs that have been formed in different periods and is the origin of art, literature, and in a word, the identity of a nation. Therefore, it is necessary to receive, understand and introduce the popular culture in each period and to examine its reflection in the artworks left behind. What is called cross-cultural reading also seeks to discover the meaning of the intra-cultural or extra-cultural pretexts of a text, and in fact, what cultural aspects does that text reflect, and in this sense, which pretexts is it indebted to. Intertextuality, which was first used by Kristeva, was then focused on the audience's reading and reception by theorists such as Roland Barthes, Michael Riffaterre, and others, and since every text is intertextual and has a pretext in the reader's mind, a new way was created in studies especially in art to analyze a kind of two-way interaction based on the mental pre-texts of the reader of the text and not the author, and in this sense, he studied a new dimension of interactions between the audience and the text in interdisciplinary studies and important themes such as culture. **Aims:** In this study, we aim to recognize the popular culture of the people of Khorasan in the era of Safavid Prince, Ibrahim Mirza, in the paintings of Ibrahim Mirza's Haft Awrang and the possible visual pretexts of the interculturality of these features. Since it is not possible to check all the pictures due to the large amount of information obtained from the intertextual reading, the picture «Andarze Pedar be Fazand darbare Eshgh» (Father's Advice to His Son about Love) was selected and studied from this illustrated version. **Main Questions:** The main questions of the research are 1- In the initial reading of the selected painting, what features of the popular culture and the way of life of the people of that time are evident? 2- What are the possible pre-texts of intercultural images of popular culture aspects reflected in this painting? **Method:** The method of study is comparative-analytical and the method of collecting data is library-documentary. The data analysis is based on the theories of the first and second generation of intertextuality, Roland Barthes and Michael Riffaterre, according to which we explained the intra-cultural and extra-cultural pre-texts of Mashhad school artworks.



Negareh

According to the opinions of these two theorists of intertextuality, Roland Barthes and Michael Riffaterre, it can be said that in the intertextuality of reading, what we are considering in the current research, the main role is the responsibility of the audience, and it is his mental pre-texts that provide a new reading of the text as if the text has been reproduced. But these pre-texts cannot be identified in the initial reading of the work and show some kind of irregularities that can be identified in the re-reading of the text and with their help the original meaning of the text will be revealed. According to these thinkers, these meanings are true in all symbolic systems and have been studied and studied by them in art as well. In the first reading, we will deal with the primary analysis and reading of the visible cultural elements in the apparent and phenomenal layer of the text (phenomenon) and will examine the definite pretexts, and in the second reading, while examining the concept and dealing with the underlying layers (genometext), the cultural system and possible pretexts within culturally and extra-culturally, we analyze and read it more carefully. **Findings:** The findings of the research show that many traditions of popular culture of people of Khorasan in the era of Ibrahim Mirza Safavi are shown in this picture; among them: acceptance of the Shia religion, which is shown by wearing a Qazlbash hat in the painting, the traditional clothes of men and women, including the white headscarf for women and the white turban for men, which are used according to the hot and dry weather of Khorasan. Also, examination of the internal and external cultural pretexts of the objects mentioned in the selected painting shows that the visual and verbal pretexts of many of these objects have precedents in the cultural past of the Iranians, and in other words, many of these objects of popular culture have intracultural visual and verbal pretexts. We conclude that the primary reading of the selected painting reveals many aspects of the popular culture of the people of Khorasan in the era of Ibrahim Mirza Safavi in the form of material, behavioral and speech traditions, which can be said by examining the possible visual and verbal pretexts of each in the secondary reading of the text, most of them are intra-cultural and derived from the popular culture of the people of Khorasan in this period.

Keywords: Persian Painting, Haft Awrang, Ibrahim Mirza, Mashhad School, Intertextuality, Intercultural Reading

References: Ahmadi, Shakiba and Farrokhfar, Farzaneh. (2019). Mashhad school of book design and its role in the development of Safavid painting, *Great Khorasan Research Journal*, Vol. 40, 19-38. Akbari Tirabadi (2016), a look at the motifs of musical instruments of the Sasanian period and their continuity, masters thesis, supervisor: Gholam Ali Hatem, Faculty of Applied Arts, Tehran: University of Art.

Alizadeh Khayat, Naser, and Ramezani, Mehdi. (2017). The theme of creation and symbolization of chess in mystical texts. *Islamic Mysticism (Religions and Mysticism)*, 15(57), 41-63.

Allen, Graham. (1380). *Intertextuality*, translator: Payam Yazdanjo, Tehran: Nahr-e-Karzan.

Canby, Sheila.R. (2008). *Twelve faces*, translated by Yaqub Azhand, Tehran: Mola.

Farrokh Far, Farzaneh, Taher, Zohra. (2019). Analysis of material folklore of the color in Safavid culture Case Study: Mashhad book designing school in Safavid Period, the paintings of Ibrahim Mirza's Haft Awrang Manuscript, *Sociology of Art and Literature*, Vol. 12, Volume 2, 173-198.

Fazli, Nematullah. (2012). *Folk culture and Persian folk literature*. Mahhanarbook, Vol. 39 and 40, 1-24.

Hassanzadeh, Shahriar. (2013). A look at folk literature in the Safavid era. *Baharestan Sokhon*, vol. 26, 248-221.

Hedayat, Sadiq. (2008). *Folk culture of Iranian people*, Tehran: Chashmeh publication.

Kristeva, J. (1984), *Revolution in poetic language*, Margaret Waller, Leon S. Roudiez, New York: Columbia University Press.

Mahvan, Fatima. (2015). *Shahnameh writing: transition from text to image*, Tehran: Moin.

Mayeli borjlooe, N., & Alimohammadi Ardakani, J. (2019). *Intertextual Analysis of Miniatures and Poems of Akbar Shah's 996 AH Pocket Manuscript of the Divan of Anvari*. *Negareh Journal*, 14(51), 5-21.

Mohabi, Behzad. *Hasankhani Qawam, Fereydoun. Amani, Maryam. (2017). Investigating the relationship between social status and the choice of clothing color in Safavid period paintings*. *Islamic Arts*, No. 3, 139-127.

Namur Mutal, Bahman. (2017). *An introduction to intertextuality: theories and applications*, Tehran: Sokhn.

Rashidian, Homa, Rahber, Ilaz. (2019). *A comparative study of stringed instruments in Safavid and Gorkani paintings*. *Performing Arts and Music (Fine Arts)*, 25(1), 51-62.

Riffaterre, Michael (1978) *Semiotics of Poetry*. 1st.ed. Bloomington: Indiana University Press.

Simpson, Mariana Sherve. (1998). *Discovering Shaykh-Muhammad in the Freer Jami*. *Arts Orientalise*, No. 28, 104-114.

Simpson, Mariana Sherve. (2012). *Iranian poetry and painting, supporting Iranian art. Painting masterpieces from the 10th century*. Translator: Abdul Ali Barati and Farzad Kayani, edited by: Aydin Aghdashloo. Tehran: Nasim Danesh.

Simpson, Mariana Sherve. (1997). *Sultan Ibrahim Mirza's Haft Awrang: A Princely Manuscript from Sixteenth-Century Iran*, New Haven & London: Yale University Press.

Taher, Zohreh. Farrokhfar, Farzaneh. Fadavi, saba. (2023). *Reflection of religious and cultural beliefs of the Safavid era in the symbolism of the paintings of Ibrahim Mirza's Haft Awrang (with emphasis on the two stories «Yusuf and Zuleykha» and «Leily and Majnoon»)*. *Negareh Journal*.

URL 1: <http://portal.unesco.org/ci/photos/showgallery.php/cat/793>(access date: 2022/4/21)

URL2:<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/140009555>(access date: 2022/4/21)

URL3:<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/140009555>(access date: 2022/4/21)

URL 4: <https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Manicheans.jpg>(access date: 2022/4/21)

URL5:https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d3/Malik-Shah_I.jpg(access date: 2022/4/21)

URL6:https://www.metmuseum.org/toah/ho/08/nc/hob_1994.232.htm(access date: 2022/4/21)

URL 7: *Sa'di and the Youth of Kashgar*(access date: 2022/4/21)

URL8:http://www.bl.uk/manuscripts/FullDisplay.aspx?ref=Or_6810(access date: 2022/4/21)

URL9:https://www.metmuseum.org/art/metpublications/A_Kings_Book_of_Kings_The_Shah_nameh_of_Shah_Tahmasp(access date: 2022/4/21)

URL 10: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Behzad_soltan_hossein_right.jpg(access date: 2022/4/21)

URL 11: <https://lcn.loc.gov/2017498325> (access date: 2022/4/21)

URL 12: <http://portal.unesco.org/ci/photos/showgallery.php/cat/793>(access date: 2022/4/21)



Negareh

- URL13:https://fotografia.islamoriente.com/sites/default/files/image_field/Obras_Maestras_de_la_Miniatura_Persatomado_del_Shahname_del_gran_poeta_iran%C3%AD%2C_Ferdowsi%2C_Edici%C3%B3n_Shah_Tahmasbi_24_2.jpg(acsess date: 2022/4/21)
- URL 14: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Junaid_001.jpg(acsess date: 2022/4/21)
- URL 15: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Mir_Musavvir_002.jpg (acsess date: 2022/4/21)
- URL16:https://fotografia.islamoriente.com/sites/default/files/image_field/Obras_Maestras_de_la_Miniatura_Persatomado_del_Shahname_del_gran_poeta_iran%C3%AD%2C_Ferdowsi%2C_Edici%C3%B3n_Shah_Tahmasbi_7_3.jpg(acsess date: 2022/4/21)
- URL17:https://www.metmuseum.org/art/metpublications/A_Kings_Book_of_Kings_The_Shah_nameh_of_Shah_Tahmasp(acsess date: 2022/4/21)
- URL 18: <https://digital.bodleian.ox.ac.uk/objects/7d185003-d35f-4381-ae88-a6b12c6e6b94/>(acsess date: 2022/4/21)
- URL 19: <https://encrypted-tbn0.gstatic.com/images?q=tbn:ANd9GcQM5AHgzFnuu8Tqm2oiChALu9ld87elMuo7wQ&usqp=CAU>(acsess date: 2022/4/21)
- URL 20: https://cdn.mashreghnews.ir/d/old/files/fa/news/1390/8/25/109869_769.jpg(acsess date: 2022/4/21)

